

دین اسلام : اهداف و میکانیزمها



مؤلف: م. نبوی هیگل

دسامبر ۲۰۲۵

هجری شمسی، ۱۴۴۶ هجری قمری ۱۴۰۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(٢:٢١٣)

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ
 بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ
 بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنْ
 الْحَقِّ بِإِذْنِهِ ۗ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾

ابراز قدردانی

یک حقیقت انکارناپذیر این است که هر انسان محصول مرکبی از آموزشها و تجارب از منابع متفاوت و متعدد است. این حقیقت در مورد این رساله و مولف آن نیز صدق مینماید، و بدین گونه سهم غیر مستقیم سایر منابع را نباید نادیده انگاشت. عده ای نیز بصورت مستقیم و به اشکال متفاوت مولف را ترغیب کرده اند یا از پیامدهای احتمالی آگاه ساخته اند. سهم آنان نیز قبل تقدیر است. در این رابطه بخصوص از همکاری هما صافی در رابطه با ریفرفینس برخی از آیات قرآن کریم ابراز امتنان مینمایم.

فهرست موضوعات

فصل اول

آغاز سخن

فصل دوم

شیوه کار یا میتدالوژی

فصل سوم

هدف دین

تعریف دین

پیام و هدف دین

فصل چهارم

میکانیزمهای دستیابی به هدف

عبادات

معاملات

فصل پنجم

مشخصات انسان

انسان بحیث اشرف مخلوقات بالقوه

انسان مسلمان: بحیث اشرف مخلوقات بالقوه و بالفعل

فصل ششم نتیجه گیری

فصل نخست آغاز سخن

دین اسلام در محور بحث های این رساله قرار دارد. هدف بحثهای شامل این رساله این است تا بر اساس آیات قران کریم نشان دهد که دین اسلام برای هدایت انسان به صراط مستقیم نازل گردیده است. مفاهیم کلیدی در این بیان عبارت اند از (هدایت) و (صراط المستقیم). هدایت نه تنها نشان دادن راه مستقیم است بلکه فراز و نشیبها و خطرات آن را نیز احتوا مینماید. صراط مستقیم راهی است که به هدف منتهی میگردد و خالق کاینات آن را برای رستگاری بندگان خویش توصیه فرموده است. این حقیقت که انسان در محراق توجه دین اسلام قرار دارد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. و این یکی از انگیزه های این تحقیق است. به دین اسلام بحیث عبادت - محور و اجبار - محور نیز دیده میشود. به باور مولف این دیدها از سلامت منطقی برخوردار نیستند.

به دین اسلام در درازای تاریخ از زوایای مختلف نگاه شده است. دیدگاه ها از زوایای مختلف به دیدگاه های متفاوت انجامیده و در مواردی به علل متفاوت به غلط فهمیهایی نیز انجامیده اند. دسته ای دین را از درون دین مطالعه کرده اند و با استدلال دینی از دین دفاع کرده اند. عده دیگر به نقد دین پرداخته اند. تنها تعبیر را نمیتوان یافت بلکه تعبیر از تعبیر نیز وجود دارد. ماری کلارک در این رابطه معتقد

است: (چیزی در دانش شخصی ما در رابطه با واقعیت همانند حقیقت کامل وجود ندارد. بهترین توقع که میتوان داشت فرضیه های "کاری انطباقی¹ اند).

I believe there is no such thing as perfect truth in our personal knowledge of reality. The best we can hope for are adaptive working hypotheses. Everyone's understanding is always an approximation (Mary E. Clark 2002:51-52)

دین در درازای تاریخ با عناصر فرهنگی نیز در آمیخته شده و از فردیت گرایی نیز متأثر گردیده است. منظور از فردگرایی در اینجا این است که عده ای به قیمت دیگران بخواهند به بهشت راه یابند. رقابت در اسلام شکل مفید دارد و آآن رقابت در تقوا و حصول رضای الله متعال است نه در مسلمان سازی دیگران و یا تامین حاکمیت روحانیون. زیرا صلاحیت کاری فرد مسلمان نمیتواند از لایحه و ظایف پیامبران فراتر رود. پدیده دیگر تفکر گروهی است.

تفکر گروهی در مجتمعات دینی نیز یک پدیده طبیعی میباشد زیرا هر فرد و هر گروه علاقمند دفاع، و گسترش نحوه دید خود میباشد، اما نباید به حد افراط یعنی نادیده انگاری یا به هدف حذف موضعیهای دیگر باشد.

غلط فهمی دیگر سیاسی ساختن دین است. به عبارت دیگر عده ای معتقد اند که اسلام دین حکومتداری است و حکومت اسلامی ماموریت دارد قوانین الهی را بر انسانها تطبیق نماید. این شیوه تفکر به معنای:

¹. adaptive working hypotheses.

۱. انکار اختیار فردی است که الله برای بندگان خویش اعطا فرموده.
(۳۹:۷;۷۶:۲-۳)

۲. در دین اکراه وجود ندارد (۲۲:۷۸). آیه اتی میفرماید:
وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۗ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ۗ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ ۗ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۗ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ ۗ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿۷۸﴾

بهرام پور [22:78]

و در راه خدا چنان که شایسته اوست جهاد کنید. او شما را برگزید و بر شما در این دین سختی قرار نداد که آیین پدرتان ابراهیم است. او شما را از پیش و هم در این قرآن مسلمان نامید تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید. پس نماز را بر پا داری.
(۲:۱۹۰)

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

بهرام پور [۲:۱۹۰]

و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید ولی تجاوز نکنید همانا خدا تجاوزگران را دوست ندارد.

۳. الله متعال برای هدایت انسانها به هیچ حکومتی و اردویی نیاز ندارد، زیرا او تعالی بی نیاز از عالمیان است و هرکه را خواهد هدایت.
(39:7) مینماید.

۴. دین اسلام روش زندگی است و هرگاه احکام و اصول دین اسلام رعایت گردد، نیازی به حاکمان سیاسی مذهبی وجود نخواهد داشت، مگر برای تعزیرات قانونی.

قرآن گواه است که الله بر همه اشیا حاکم و محیط است و تنها برای انسان آزادی اختیار اعطا فرموده تا آنان را امتحان نماید (۳:۱۸۶).

۵. مفکوره حکومت مذهبی با اراده الله برای امتحان بندگان در تضاد قرار دارد، زیرا موجب اجبار بر مردم و تحمیل دین میگردد.

هرگاه با اندکی دقت به مخلوقات الهی دیده شود پنج خصیصه را در همه ی خلقت الهی میتوان یافت. این خصایص عبارت اند از:

۱. گوناگونی: گوناگونی را در خلقت آسمان و زمین و در آنچه در میان آنها قرار دارند با صراحت میتوانم دید. به گونه مثال به گوناگونی برگهای درختان، به گوناگونی در سبزیجات و نباتات و میوه ها، در اشخاص و افکار بیاندیشیم.

Al-Rome (۳۰:۲۲)

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافُ اَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدِكُمْ ۙ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ ﴿۲۲﴾

بهرام پور [30:22]

و از نشانه‌های [قدرت] او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شماست. قطعا در این [امور] برای دانشوران نشانه‌هاست
۲. تضاد/ تفاوت: مثبت و منفی، خوب و بد، زشت و زیبا و ...

۳. همزیستی و هماهنگی: اینهمه گوناگونی ها و تضادها و تفاوتها در همزیستی و در هماهنگی قرار دارند.

۴. عدالت: همه ی نعمات و خصوصیات عادلانه توزیع شده اند. هیچ جامعه ای برتر یا بد و بدتر وجود ندارد و هیچ فرد بدون توانایی و کاستی.

۵. قانونمندی امور: قوانین طبیعی مانند گردش سیارات، تجلی آفتاب و مهتاب، گردش شب و روز، تولد، و مرگ، تقوا و عمل نیک و امثال آنها.

خلقت اراده و رضای خالق را باز تاب میدهد و نادرست است گوناگونی و تفاوتها و تضاد های فکری و اعتقادی را نادیده گیریم، زیرا به آنچه الله راضی است، نباید مخالفت نمود. و در نهایت: مطابق بر آیات قرآنی هر یکی از اعمال خویش پاسخ گو است نه از اعمال دیگران.

این حقیقت که انسان و نفع انسان در محراق توجه دین قرار دارد قربانی مقداری از غلط فهمی قرار گرفته است. در این رساله تصمیم بر آن است تا نشان داده شود که دین اسلام انسان محور است، به این معنا که تعالی اخلاقی / معنوی انسان هدف اساسی دین اسلام است. اما درک دین اسلام صاف و عاری از غلط فهمی ها نیست. این غلط فهمی ها علل و انگیزه دارند که بصورت مختصر بر برخی از آنها که با موضوع این رساله رابطه دارند مکتب میگردد.

غلطفهمی های معروف

تعدادی دین / یا مذهبی بودن را بحیث باور به موجودات مافوق طبیعی، سحر میدانند، و دین را از راه ابعاد گوناگون آن و میان رشته ای بودن آن و ... می‌شناسند و دیندار و یا مذهبی بودن را بر اساس یونیفورم مشخص یا سمبولها مانند ربش و کلاه و رفتن به مسجد اندازه گیری مینمایند. بدینی /هراس از اسلام که به نام (اسلاموفوبیا²) شهرت دارد با این غلط فهم قرابت ماهوی دارد، زیرا اسلاموفوبیا محصول درک از دین اسلام نیست، بلکه محصول درک عملکرد یک دسته اقلیت است که آنهم از دین تعبیر و درک نادرست دارد. اینها نیز غلط فهمی های معمول اند. زیرا دین را تا حد چند خصیصه ای تقلیل میدهند که معرفی کننده دین نیستند.

تقلیلگرایی در دین ناشی از ضرورت تعلیمی است که به غلط فهمی های متعدد انجامیده است. تقلیلگرایی همان ساده سازی است و در علوم و رشته های متعدد از مدل و مدلسازی برای تسهیل درک در آموزش استفاده میشود. قاعده (اوککامز- رزر³) نیز ساده ترین توضیح را بهترین توضیح میداند.

مراجع تعلیمی با معرفی به اصطلاح (پنجبنای مسلمانی) یعنی پنج ستون مسلمانی، مسلمانی را به ۱. ادای (کلمه)، ۲. ادای (نماز)، ۳، پرداخت (ذکات)، ۴. (روزه) گرفتن، ۵. ادای (حج)، تقلیل داده تا آموزش نمادهای مسلمانی در عمل را سهل سازند. اما اینها شواهد

² Islamophobia

³ Occam's razor

عملی ایمان اند، نه بناهای مسلمانی، در حالیکه مکلفیتهای مهم دیگر نیز وجود دارند که در این پنج بنا ذکر نگردیده اند. در دین مانند زندگی رزومره قول را با عمل ثابت باید کرد. اگر به پنج بنای یاد شده توجه گردد دو بنای نخستی به عبادات تعلق میگیرند و سه بنای بعدی اعمال صالح اند و به معاملات تعلق دارند. برعلاوه این پنج بنای عملی دین بر ایمان بنا گردیده اند و ایمان در حقیقت شرط ضروری و بسنده و اساس مظاهر عملی ایمان را میسازد، زیرا آنانی که ایمان آورده اند به ادای آنها مکلف گردیده اند. بنابراین بنای اساسی دین را در آیات ۴ و ۲۸۵ سوره البقره، و آیات (۴:۱۳۶)، (۵:۹۶)، (۷:۱۵۸) میابیم. آیات متذکره میفرمایند:

(۲:۴)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾

انصاریان [۲:۴]

و آنان که به آنچه به سوی تو و به آنچه پیش از تو نازل شده، مؤمن هستند و به آخرت یقین دارند.

(۲:۲۸۵)

أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾

بهرام پور [۲:۲۸۵]

پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده ایمان دارد و مؤمنان [نیز]، همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و پیامبران او ایمان دارند [و

گویند: میان هیچ يك از پیامبران او فرق ننهیم، و گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم. بار الها! آمرزش تو را خواهانیم و بسوی تو برمیگردیم.
(۴:۱۳۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِهِ
وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ ۚ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿۱۳۶﴾

انصاریان [۴:۱۳۶]

ای اهل ایمان! به خدا و پیامبرش و کتابی که بر پیامبرش نازل کرده و به کتابی که پیش از این فرستاده [از روی صدق و حقیقت] ایمان بیاورید. و هر که به خدا و فرشتگان و کتاب های آسمانی و پیامبران او و روز قیامت کافر شود، یقیناً به گمراهی دور و درازی دچار شده است.

(۷:۱۵۸)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۚ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ
الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۵۸﴾

آیتی [۷:۱۵۸]

بگو: ای مردم، من فرستاده خدا بر همه شما هستم. آن خدایی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست و هیچ خدایی جز او نیست. زنده می‌کند و می‌میراند. پس به خدا و رسول او، آن پیامبر امی که به خدا و کلمات او ایمان دارد، ایمان بیاورید و از او پیروی کنید، باشد که هدایت شوید.

بنابراین آشنایی با دین اهمیت کلیدی دارد نه تنها برای فرد مسلمان بلکه برای سایرین تا با هدف و مشخصات عمده این دین آشنا گردند. از

راه آشنایی با دین میتوان دریافت که دین برای هدایت انسان نازل گردیده است، هدایتی که صلاح و فلاح انسانرا موجب میگردد.

غلط فهمی دیگر این است که برخی ها تفاسیر را نیز دین میندازند وقتی دین را به دین ۱، دین ۲ و دین ۳ تقسیم مینمایند. مصطفی ملکیان یکی از دانشمندان ایرانی در این دسته بندی مرام و منظور از دین را تعریف کرده است (علی شاهرخت و علی حقی، ۱۳۹۶).

ابن ورق نیز در همین خط استدلال کرده است (Ibn Warraq, 1995:1).

بیمورد نیست از یک غلط فهمی دیگر در مورد دین اسلام یادآوری گردد که بیشتر در فراتر از جوامع اسلامی مروج است. در حقیقت و در واقعیت (اسلام سیاسی) وجود ندارد، زیرا اسلام یک دین و یک روش زندگی توصیه شده بوسیله خالق متعال است و بر اراده و اختیار و مسوولیت فردی بنا نهاده شده که فرد میخواهد راه مستقیم توصیه شده بوسیله خالق متعال را بپذیرد و یا نه. در این رابطه لازم است یاددهانی گردد که وظیفه پیامبران بحیث (بشیر و نذیر) قابل توجه است زیرا آنان هم بشارت میدهند و هم هشدار میدهند. ما خواهیم دید وقتی اصول و توصیه های الهی و سنت در عمل رعایت گردند بسا از دشواریهای فردی و گروهی رفع میگردد و تنها دو مسوولیت اجتماعی دینی: سرمشق قرار گرفتن، و مسوولیت تبلیغ و توضیح دینی بحیث وظایف برای فرد مسلمان باقی میمانند.

تفاسیر و تاویلات تعبیرهای احکام و توصیه های الهی اند، نه دین. دین را خالق کاینات در قرآن بوسیله آیات:

(۳:۱۹، ۸۵) الروم آیه (۳۰:۳۰)، المایده (۵:۳) و آل عمران

معرفی فرموده است.

دین اسلام در برخی از محافل یک دین مستقل و یکی از ادیان ابراهیمی پنداشته میشود، در حالیکه الله متعال در آیات یادشده میفرماید همه ادیان ابراهیمی ، دین اسلام اند. بر آیات آتی میتوان استناد نمود:

(۵:۳) المایده

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَالْحَمُّ الْخِنْزِيرُ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ۚ ذَلِكُمْ فِسْقٌ ۗ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ ۗ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ۗ فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِيْمٍ ۗ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳﴾

آیتی [۵:۳]

حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و هر حیوانی که به هنگام کشتنش نام دیگری جز الله را بر او بگویند، و آنچه خفه شده باشد یا به سنگ زده باشند یا از بالا درافتاده باشد یا به شاخ حیوانی دیگر بمیرد یا درندگان از آن خورده باشند، مگر آنکه ذبحش کنید. و نیز هر چه بر آستان بتان ذبح شود و آنچه به وسیله تیرهای قمار قسمت کنید که این کار خود نافرمانی است. امروز کافران از بازگشت شما از دین خویش نومید شده‌اند. از آنان مترسید از من بترسید. امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم. پس هر که در گرسنگی بی‌چاره ماند بی آنکه قصد گناه داشته باشد، بداند که خدا آمرزنده و مهربان است.

الْعَمْرَانِ (۳:۱۹)

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا
جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ

الْحِسَابِ ﴿۱۹﴾

آیتی [۳:۱۹]

هر آینه دین در نزد خدا دین اسلام است. و اهل کتاب راه خلاف نرفتند،
مگر از آن پس که به حقایق آن دین آگاه شدند، و نیز از روی حسد. آنان
که به آیات خدا کافر شوند، بدانند که او به زودی به حسابها خواهد رسید.

الْعَمْرَانِ (۳:۸۵)

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ

الْخَاسِرِينَ ﴿۸۵﴾

آیتی [۳:۸۵]

و هر کس که دینی جز اسلام اختیار کند از او پذیرفته نخواهد شد و در
آخرت از زیاندیدگان خواهد بود.

يُونُسَ (۱۰:۸۴)

وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ

مُسْلِمِينَ ﴿۸۴﴾

آیتی [۱۰:۸۴]

موسی گفت: ای قوم من، اگر به خدا ایمان آورده‌اید و تسلیم فرمان
هستید به او توکل کنید.

الْحَجَّ (۲۲:۷۸)

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۗ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ

حَرَجٍ ۗ مَلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ ۗ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا

لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۚ فَأَقِيمُوا
 الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ ۗ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ
 النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

انصاریان [۲۲:۷۸]

و در راه خدا چنان که شایسته جهاد است، جهاد کنید؛ او شما را برگزید و
 بر شما در دین هیچ مشقت و سختی قرار نداد. [در دینتان گشایش و
 آسانی قرار داد مانند گشایش و آسانی] آیین پدرتان ابراهیم، او شما را
 پیش از این «مسلمان» نامید و در این [قرآن هم به همین عنوان
 نامگذاری شده اید] تا پیامبر گواه بر شما باشد و شما هم گواه بر مردم
 باشید؛ پس نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به خدا تمسک جویند.
 او سرپرست و یاور شماست؛ چه خوب سرپرست و یآوری و چه نیکو
 یاری دهنده ای است.

الروم (۳۰:۳۰)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ
 لِخَلْقِ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾

مکارم شیرازی [۳۰:۳۰]

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که
 خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این
 است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند!

در موارد دیگر نیز از تقسیم دین به شعبه‌های بسیار میتوان مثال
 آورد. سنی و شیعه یک مثال آن است.

(۳۰:۳۲-۳۱)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ
 ﴿۳۰﴾ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ
 ﴿۳۱﴾ مِنْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ
 الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا ۗ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿۳۲﴾

مکارم شیرازی [۳۰:۳۱]

این باید در حالی باشد که شما بسوی او بازگشت می‌کنید و از
 (مخالفت فرمان) او پرهیزید، نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید...
 خرمشاهی [۳۰:۳۲]

از همان کسانی که دینشان را پاره و پراکنده کردند و فرقه فرقه شدند،
 هر گروهی به آنچه دارند دلخوشند.

مسیحیت نیز با این تفرقه درگیر است، به قول یوهانسن تور به نقل از
 هیل بیش از ۴۰۰ فرقه مسیحی در جهان وجود دارد که رومن
 کاتولیسیم بزرگترین آنها است.^۴

There are over four hundred Christian denominations worldwide
 (Hale, 2003). Roman Catholicism, Protestantism, and Eastern Orthodoxy are
 the three primary groups. The largest of these groups is Roman Catholicism.
 These denominations represent a wide range of different beliefs and practices.
 Issues such as abortion, women's ordination, and homosexuality are widely
 debated across denominations, as well as within the various congregations
 (Hale, 2003),(Cited in: Johansen Thor, 2010:63).

⁴ Hale, 2003 cited in: Johansen Thor,2010:63.

یک غلط فهمی هولناک

دین به جای اینکه روش زندگی توصیه شده از سوی خالق کاینات پنداشته شود بحیث قانون قابل تطبیق پنداشته میشود. در این نحوه - فکر قرآن کریم قانون را میسازد و حکومت‌های اسلامی ماموریت تطبیق آن را دارند و از آنجایی که قرآن همه ی انسانها را مورد خطاب قرار میدهد، بر همه قابل تطبیق میباشد. اجبار دینی از همین نحوه فکری ناشی میگردد. در این حقیقت شکی وجود ندارد که حکم الهی اطاعت از الله و پیامبر وی حضرت محمد را امر مینماید (۳:۳۲، ۳:۱۳)، (۴:۶۹، ۴:۵۹)، (۴:۸۰)، (۳۳:۷۱)، (۴۷:۳۳) اما اکراه و اجبار را نفی مینماید زیرا اختیار (۳۹:۴۱) و مسولیت گزینش فردی را بر عهده فرد قرار داده است (۳۹:۴۱).

الله اگر میخواست همه را چنان میآفرید که هدایت شده بودند. قرآن کریم گواه بر این حقیقت است. الله میفرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ ۖ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۖ وَمَا أَنْتَ بِوَكِيلٍ ﴿٤١﴾

مکارم شیرازی [۳۹:۴۱]

ما این کتاب (آسمانی) را برای مردم بحق بر تو نازل کردیم؛ هر کس هدایت را پذیرد به نفع خود اوست؛ و هر کس گمراهی را برگزیند، تنها به زیان خود گمراه می‌گردد؛ و تو مأمور اجبار آنها به هدایت نیستی. این آیات آتی نیز به دقت باید توجه کرد.

قرآن کتاب آسمانی و کلام الهی است. الله متعال در مورد محتوای قرآن به پیامبر خاتم النبیین میفرماید:

(۲۴:۳۴)

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ
وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۳۴)

مکارم شیرازی [۲۴:۳۴]

ما بر شما آیاتی فرستادیم که حقایق بسیاری را تبیین می‌کند، و اخباری از کسانی که پیش از شما بودند، و موعظه و اندرزی برای پرهیزگاران! قرآن مملو از علایم، شواهد و استدلال است. با اطمینان میتوان ابراز داشت که الله متعال برای بندگان خویش اختیارگزینهش راه اعطا کرده و برای آنان با شواهد و علایم استدلال مینماید که او خالق همه مخلوقات است.

آیات متعددی وجود دارند که قرآن کریم را بحیث ذکر، یاد دهانی، الفرقان نامیده است. بنابراین هیچ حکمی در کلام الهی وجود ندارد که دال بر آن ادعا باشد تا موضع -فکری تعدادی را در مورد حکومت یا دولت اسلامی تبریه نماییم.

(۸۰:۱۱-۱۲)

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ﴿۱۱﴾ فَمَن شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿۱۲﴾

آیتی [۸۰:۱۱]

آری، این قرآن اندرزی است،

آیتی [۸۰:۱۲]

پس هر که خواهد از آن پند گیرد.

فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ ﴿۱۳﴾ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿۱۴﴾ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ
﴿۱۵﴾ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴿۱۶﴾ قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ﴿۱۷﴾ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ
﴿۱۸﴾ مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ﴿۱۹﴾

یقیناً قرآن وسیله ای پند است (۱۲) و هرکس (پند) بخواهد باید آنرا یاد کند (۱۳) (همانا آیات قرآن) در صحیفه های قدرمند درج و محفوظ است. (۱۴) که بلند مرتبه و پاکیزه است (۱۵) بدست نویسندگان (۱۶) بزرگوار و نیک کردار. (۱۷) مرگ بر این نسان (کافر و سرکش) چه ناشکر است (۱۸)⁵.

(۸۱:۲۷,۲۸,۲۹)

چون برود. ﴿۱۸﴾ و قسم به صبح چون بدمد. ﴿۱۹﴾ یقیناً (قرآن) سخن رسول گرامی است. ﴿۲۰﴾ (که) او نیرومند است و در بارگاه صاحب عرش (الله) دارای منزلت والایی است. ﴿۲۱﴾ از او فرمان می برند، در آنجا (او) امین است. ﴿۲۲﴾ و هم صحبت شما (محمد ﷺ) دیوانه نیست. ﴿۲۳﴾ و البته (او) آن (فرشته) را در کنار آشکار آسمان دید. ﴿۲۴﴾ و او بر رسانیدن سخن های غیب بخیل نیست. ﴿۲۵﴾ و قرآن سخن شیطان رانده شده نیست. ﴿۲۶﴾ پس (قرآن را گذاشته) به کجا می روید؟ ﴿۲۷﴾ آن قرآن جز پند و اندرز برای جهانیان نیست. ﴿۲۸﴾ برای کسی از شما که بخواهد (کردارش) به راه راست مستقیم شود. ﴿۲۹﴾ و شما چیزی را نمی خواهید مگر آن که الله پروردگار جهانیان آنرا بخواهد.

(۷۶:۲۹)

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ۖ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿۲۹﴾

بهرام پور [۷۶:۲۹]

مسلمان این [آیات] تذکاری است، پس هر که خواهد راهی به سوی پروردگار خود در پیش گیرد.

همچنان از آیات. (74:31,38,54,55) میتوان یاددهانی کرد.

ترجمته المعانی القرآن الکریم الی لغتہ الفارسیه الدر به ⁵
اعداد: مولوی محمد انور بدخشانی. چاپخانه قرآنکریم: مجمع ملک فهد. مدینه منوره.

﴿ ۲۶ ﴾ و در حصه ای از شب برای الله نماز بگذار، و در حصه طولانی از شب او را به پاکی یاد کن. ﴿ ۲۷ ﴾ بی گمان ایشان دنیای زودگذر را دوست می دارند، و روز دشوار آخرت را پشت سر خویش می نهند. ﴿ ۲۸ ﴾ ما آنها را آفریدیم، و آفرینش آنها را استوار و محکم کردیم، و هر وقت بخواهیم مانند آنها انسان های دیگری را جایگزینشان می کنیم. ﴿ ۲۹ ﴾ یقیناً این (تعلیمات قرآن) یادآوری و پندی است؛ پس هر کس بخواهد راهی را به سوی پروردگارش برگزیند. ﴿ ۳۰ ﴾ شما نمی توانید (چیزی را) بخواهید مگر این که الله بخواهد، بی گمان الله بی نهایت دانای باحکمت است. ﴿ ۳۱ ﴾ (لذا) در رحمت خود کسی را که بخواهد داخل می کند، و برای ظالم ها (که مستحق رحمت نیستند) عذاب خیلی دردناک را آماده کرده ایم.

این غلط فهمی به یک غلط فهمی هولناک دیگر انجامیده است که در نتیجه آن مدعیان آن نحوه تعبیر، ماموریت فراتر از ماموریت پیامبران را بر عهده گرفته اند.

آیات متعددی وجود دارند که ماموریت پیامبران را بحیث ابلاغ کنندگان، بشیر و نذیر، مشخص ساخته اند. آیات آتی را میتوان بگونه مثال ذکر کرد:

(۲:۱۱۹)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۖ وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿۱۱۹﴾

انصاریان [۲:۱۱۹]

قطعاً ما تو را به درستی و راستی، بشارت دهنده و بیم رسان فرستادیم، و تو [بعد از ابلاغ پیام حق] مسؤول [ایمان نیاوردن و وضع و حال] دوزخیان نیستی.

همچنان آیات (۷:۴۲) و (۸۸:۲۱-۲۲) این حقیقت را بیان میدارند

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿۲۱﴾

مکارم شیرازی [۸۸:۲۱]

پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده‌ای!

لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ ﴿٢٢﴾

مکارم شیرازی [۸۸:۲۲]

تو سلطه‌گر بر آنان نیستی که (بر ایمان) مجبورشان کنی، همچنان در آیات (۵:۱۹)، (۳۴:۲۸)، و ظایف پیامبر بشارت دهنده و هشداردهنده تعیین گردیده.

اکنون این پرسش پی میاید که با دین و غلط فهمی های آن چگونه میتوان آشنا گردید؟ منابع دینی به این آشنایی کمک میکنند.

نخست از همه دین اسلام یک دین واحد است از الله واحد و بی همتا. الله متعال تشکیل فرقه ها ، و شعب را در دین منع قرار داده و مسلمانان را فراخوانده:

(۳:۱۰۳) الْعَمْرَان

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

آیتی [3:103]

و همگان دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده مشوید و از نعمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید: آن هنگام که دشمن یکدیگر بودید و او دلهایتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید. و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید، خدا شما را از آن برهانید. خدا آیات خود را برای شما اینچنین بیان می‌کند، شاید هدایت یابید.

دوم، دین دانش است و هر دانشی دارای دو نوع است از نظر منشاء:

۱. منبع اساسی و بنیادی دانش: خالق کاینات، قرآن و آنچه بر پیامبر خاتم النبیین وحی گردیده.

۲. منابعی که دانش آنها بر دانش منبع اساسی و بنیادی بنا یافته اند.⁶

دانش پیامبر اسلام

دانش پیامبر اسلام از دانش وحی شده بروی و تجارب و دانستنی

های خود وی متشکل است. پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) نخستین مفسر قرآن است اما همه ی قران را تفسیر ننموده است. علی سلیمان معتقد است که پیامبر (ص) تنها در سه مورد توضیح یا تفسیر نموده اند:

۱. وقتی یک نص قرآن به زبان عادی عربی قابل فهم نمیبود.

۲. وقتی معنای یک آیه -به باور مفسران و دانشمندان آنچه نبود که منظور و هدف الهی پنداشته میشد.

۳. وقتی یکی از یاران پیامبر(ص) توضیح آیاتی را مطالبه مینمودند (Ali Suleiman, Ali, 2018:2).

دین را بر اساس منابع آتی میتواند شناخت:

۱. احادیث و سنت پیامبر اسلام (ص): دانش انطباقی احکام و توصیه های الهی در شرایط معین مکان و زمان اند. در آن میان میتوان دانش سودمندی دریافت که تابع زمان و مکان نیستند.

⁶ Derived knowledge

۲. تفاسیر و تاویلات: این نوع دانش درکی است که از دو منبع اساسی نخستی یعنی قرآن کریم و دانش انطباقی پیامبر اسلام حضرت خاتم النبیین ناشی گردیده اند.

۳. از راه دانش معاصر، و در نهایت

۴. از راه دین در عمل

وقتی ما به تعدد فرقه ها مانند سنی و شیعیه و به تعدد در مسیحیت و یهودیت توجه مینماییم تاثیر تعبیرها و برداشتها را با برجستگی میتوانیم ببینیم. تعداد زیادی از افراد حتی در مجامع علمی دین در عمل را در محور درک دین قرار داده اند و دین را بر اساس اعمال افراد مذهبی درک و تعریف مینمایند.

در این رساله بر نصوص قرآن بحیث نخستین و معتبرترین منبع دانش اتکا شده است.

ادعای مرکزی این رساله این است که دین اسلام، دین انسان محور است یعنی دین اسلام برای هدایت و رهنمایی انسان نازل گردیده. عبادت یعنی ایمان به الله واحد و بی همتا، اطاعت از احکام و توصیه های الهی و پیامبر وی و شکرگزاری از نعمات الهی خود هدایت اند. منظور از انسان -محور بودن دین اسلام در این رساله این است:

الله متعال (ج) در سوره (التین و زیتون) میفرماید:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ ﴿٧﴾

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴿٨﴾

بهرام پور [95:4]

که به راستی ما انسان را به نیکوترین ساختار آفریدیم

آیتی [95:5]

آنگاه او را فروتر از همه فروتران گردانیدیم

آیتی [95:6]

مگر آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند که پاداشی

بی‌پایان دارند.

آیتی [95:7]

پس چیست که با این حال تو را به تکذیب قیامت وامی‌دارد؟

آیتی [95:8]

آیا خدا داورترین داوران نیست؟

تفسیر ابن کثیر:

(1. By At -Tin and Az-Zaytun.) (2. By Tur Sinin.) (3. By this city of security.)
 (4. Verily, We created man in the best form.) (5. Then We reduced him to the
 lowest of the low.) (6. Save those who believe and do righteous deeds. Then
 they shall have a reward without end.) (7. Then what causes you to deny af ter
 this the Recompense) (8. Is not Allah the best of judges)(Ibn Kathir.)

تفسیر: معرف القرآن

(We have 9' ,created man in the best composition.. 95:4). The word taqwim
 literally denotes 'to set a thing aright or lay the foundation straight or even; or
 to form something into an appropriate shape in a moderate regulation'. The
 verse signifies that man has been endowed with the best natural powers and
 qualities which other creatures have not been endowed with Physically too he is

cast in the best composition - having no parallel in other creatures (MaarifulQuran, Vol.8..

It is mentioned in a hadith of Bukhari and Muslim:

ان الله خلق آدم على صورته

Inna allaha Khalaqa Adama Alaa Souratehi

'Allah has created Adam in His image'

It could only mean that man has been characterised by some of the qualities of Allah, because Allah is beyond any [physical] shape or image [Q~u\$ubi],..).

595:5: (then We turned him into the lowest of the low. ..95:53.

In the preceding sentence, it was stated that man is created in the best composition and is the most beautiful being. In the prime of his life, man is brimming with strength and vigour and all his faculties are functioning at their best. As opposed to that, this sentence states that when man ages he physically grows weaker and his health deteriorates all the time. . In short, the phrase 'the lowest of the low' refers to bodily . . .

95:6). The foregoing interpretation of the preceding verse should not be misunderstood. The exceptive sentence does not mean that the believers will not attain to decrepit old age (MaarifulQuran).

تفسیر ابن کثیر (احسن التقویم) را (نیکوترین صورت) پنداشته و در تفسیر نعمات ظاهری و باطنی را از آن مراد دانسته. در حالیکه تفسیر معارف القرآن آن را جسمی پنداشته است و بعد آن را به جوانی و کهن سالگی تفسیر کرده است.

آیه مبارکه (۳۰:۳۰) را نیز نباید فراموش نمود که میفرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾

مکارم شیرازی [۳۰:۳۰]

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند!

باور من این است که الله (ج) انسان را با (احسن التقویم) یعنی با بهترین توانایی‌ها خلق نموده زیرا او را خلیفه بر روی زمین تعیین فرموده است (۳:۹۵). و سپس وی را در پایینترین پایین قرار داده، یعنی مانند یک ورق صاف و پاک آفریده و برای آنان صحایف و پیامبران فرستاده تا خود را دوباره به مدارج تعالی اخلاقی یعنی همان صفاتی را که الله در دین فرموده مزین گردانند، تا ایمان آورند و عمل نیک انجام دهند. آنانی که ایمان آورند و عمل صالح انجام داده اند اجر بی پایان را نصیب می‌گردند. واضح است که دین و پیامبر وی حضرت محمد (ص) برای این هدف خدمت مینمایند. حدیث صحیح که (الله متعال آدم را با برخی از توانایی‌های خود آفریده)، و آیه (۳۰:۳۰) نیز با این درک سازگاری دارد، بدین معنا که انسان با فطرت دینی و با (احسن التقویم) خلق گردیده و در پایینترین پایین سطح قرار داده شده است تا خود را از راه اطاعت از دین اسلام به مرحله تقوا، یعنی مکارم اخلاقی برساند. دین و پیامبر انسان را در این مامول کمک مینمایند.

باور مولف این است که هر انسان با یک سیستم ذاتی خلق گردیده که برای دفاع و انکشاف ضروری و بسنده است. عملکرد این سیستم ذاتی را در حیوانات و در نباتات نیز میتوان شاهد بود. موبایل و کامپیوتر نیز با یک سیستم عملیاتی ساخته شده اند که گردانندگی و انکشاف آن را ممکن میگرداند.

دین اسلام برای هدایت به چنان راهی نازل گردیده که الله متعال آن را (صراط المستقیم) نامیده است، راهی که رستگاری را موجب می‌گردد. به عبارت کوتاه دین می‌خواهد انسان را کمک نماید تا به یک بنده شکرگزار، صادق، متفکر، عادل، امانتدار و به دور از کارهای بد و زیانبار حتی زبان ناشایسته و ناسزا، مبدل گردد.

ساختار این رساله

این رساله محصول کار مستقلانه مولف است، بدین معنا که مسوولیت هر نوع اشتباه فکری و کتبی به وی تعلق دارد. مولف از دشواریهای موجود در سافت-ویر آگاه است و آرزومند است خواننده بادرک این کاستی و این حقیقت که در جامعه افغانی دستیابی به مصحح و خواننده های گمنام به دلایل مختلف مشکل آفرین است، از خطاهای فنی و نوشتاری تا حد ممکن چشم پوشد. مولف امیدوار است با دریافت ملاحظات خوانندگان، نسخه های بعدی بهتری از این رساله عرضه نماید. در این رساله سعی بر آن قرار داده شده تا ادعای مطرح شده در آن بصورت صریح و مختصر بر کرسی نشانده شود. استدلال ارایه شده در فصلها بر معتبر ترین منبع دانش یعنی دانش خالق کون و مکان بنا یافته است. فصل اول زیر عنوان (آغاز سخن) زمینه های مقدماتی را برای بحث های بعدی فراهم مینماید، زیرا اغلب بر ادعاهای غیر از ادعای کلیدی این رساله (انسان -محور بودن دین اسلام) تاکید می‌گردد.

پس از آغاز سخن ، در فصل دوم با شیوه های کار علمی و سنتی ، و با شیوه کار مولف این رساله آشنا می‌گردیم. برای بحث بر این ادعا،

هدف دین را باید شناخت. بنابراین فصل سوم ما را با هدف دین و پیام دین آشنا میسازد. به هدف دین از راه ها و میکانیزمهایی میتوان دست یافت. این میکانیزم ها یا طرزالعملهای دینی موضوعات فصل چهارم اند.

اللّٰهُ متعال (ج) نه تنها قرآن را فرستاد بلکه پیامبری را برای بشارت و هشدار دهی نیز مبعوث گردانید. در آیه (۲۴:۳۴) اللّٰهُ متعال محتوای قران را بیان کرده است:

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً
لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٣٤﴾

بهرام پور [۲۴:۳۴]

و البته به سوی شما آیاتی روشنگر، و سرگذشتی از کسانی که پیش از شما درگذشتند و موعظه‌ای برای اهل تقوا نازل کردیم.

(موعظه برای متقین) نه تنها راه مستقیم را توصیه مینماید، بلکه شیوه های پیگیری، شرایط ضروری پیگیری آن راه را، و خطرات و دشمنان نشسته در کمین را و پیامدهای مربوطه را نیز معرفی مینماید. انتخاب راه توصیه شده بوسیله اللّٰهُ متعال و پیامبر وی و پیگیری این راه مستقیم با صبر، استقامت و طلب استعانت از اللّٰهُ {ج} یک امتحان است. فصل پنجم ما را با این خطرات و دشمنان نشسته در کمین آشنا میسازد.

مشخصات انسان و انسان مسلمان موضوعات فصل پنجم اند. با

دانستن این مشخصات توصیوی که از انسان و فرد مسلمان توقع میرود برای رسیدن به آنها سعی نماید، میتوان انسان محور بودن دین

را با صراحت بیشتر درک نمود. فراموش نباید کرد که در این رساله بر اصول و احکام نورماتیف اتکا میگردد، نه بر دینداری در عمل که میتواند گاهی خیلی متفاوت از همدیگر باشند. این تفاوت که اغلب در مباحث نادیده گرفته میشود عبارت است از تفاوتی که میان آنچه (هست) و آنچه (باید باشد). این تفاوت را در کارها و برنامه های روزانه فردی و جمعی نیز میتوان با صراحت شاهد بود، وقتی ما برنامه ظری خویش را با تحقق آن در عمل مقایسه مینماییم.

در این رساله با این شیوه برخورد یک بعد مقایسوی را میتوان یافت که در آن احکام نورماتیف (یعنی باید باشد) را با آنچه (هست) میتوان مقایسه نمود. فصل ششم نتیجه گیری بحث های انجام شده را عرضه میدارد.

فهرست منابع

Maulana Mufti Muhammad Shafi' (n.d.). Ma'ariful Qur'an, Translated by Prof. Muhammad Hasan Askari, Prof. Muhammad Shamim. Revised by Justice Mufti Muhammad Taqi Usmani

Ibn Kathir, (2023). A compilation of the abridged Tafsir by a group of scholars under supervision of Shaykh SafiurRahman Al Mubarakpuri. Darussalam's Publishers & Distributers. Ryad: Hoston, New York, Lahore 2023.

Ali Suleiman Ali (2018). A Brief introduction to the Quranic Exegesis. Abridged by Wanda Kraus, Herndon, VA 20172, USA: The International Institute of Islamic Thought (IIIT)

Ibn Warraq (1995). Why I am not a Muslim? New York: Prometheus Books.

Mary E. Clark (2002). In Search for Human Nature. London, NY, Canada: Routledge.

علی شاهرخت، علی حقی، دین. پژوه مصطفی ملکیان: بررسی و نقد. جستارهای فلسفهء دین، سال ششم، شماره اول سال ۱۳۹۶ (ص. ص. ۱۲۶-۱۰۹).

ترجمه قرآن الکریم فی الغتّه الفارسی الدرّبه

اعدا: مولوی محمد انور بدخشانی. اتلمدینه المنوره: چاپخانه قرآن الکریم مجمع ملک فهد. چاپ الکترونیکی، فارمت پی. دی. اف. بدون تاریخ چاپ.



در این بحث بر شیوه های کار تحقیق (حقیقت یابی) بصورت کوتاه، در خطوط کلی مکث میگردد. هدف از این کار این است تا بتوانیم شیوه کار مولف را در یک منظره بزرگ کار تحقیق علمی قرار دهیم. نخست با دو شیوه تحقیق سنتی و تحقیق علمی بحیث میتدالوژیهای تحقیق و با مشابهتها و تفاوتهای آنها آشنا میشویم. شیوه های استدلال در این روشها نیز از نظر باز نخواهند ماند. و در اخیر به این پرسش میرسیم که ادعای مرکزی این رساله را چگونه میتوان از راه روشهای یاد شده بر کرسی نشانده؟

شیوه های تحقیق بسیار و گوناگون اند اما در خطوط کلی دو شیوه را میتوان نامبرد: شیوه ی- سنتی و شیوه - علمی. با هر دو شیوه در خطوط کلی آشنا میگردیم تا تفاوتها و مشابهت های این دو شیوه را با شیوه کار مولف با سهولت بتوانیم مورد ارزیابی قرار دهیم. شیوه کار علمی باید با موضوع تحقیق مناسبت داشته باشد نه تنها از نظر دسپلین و رشته مربوطه بلکه بتواند به هدف تحقیق نیز خدمت

نماید. بسنده است شیوه تحقیق علوم اجتماعی را با علوم طبیعی در نظر گیریم تا این مناسبت را با برجستگی دریا بیاوریم. دو حقیقت را نباید ناگفته نهاد:

حقیقت نخستی، این است که منازعه ای میان علوم طبیعی و علوم اجتماعی در رابطه با علمی بودن فراورده ها وجود دارد، زیرا با وصف تمایل نیرومند تجربی و ایمپیری در علوم اجتماعی موارد بسیاری فراتر از آن قرار دارند که بتوانند مورد امتحان قرار گیرند. حقیقت دومی، روش علمی خود از جهاتی مورد اعتراض قرار دارد. حقیقت سومی این است که کدام تیوری واحد برای مطالعه دین وجود ندارد.⁷

به بحث اصلی برمیگردیم و از آشنایی با روش علمی میاغازیم.

۱. روش تحقیق علمی:

این روش بر مشاهدات و امتحان تجربی استوار است. این دو ستون - فقرات میتدالوژی علمی را میسازند. ناگفته نباید نهاد که در تعدادی از علوم مانند تاریخ و باستان شناسی تاحدی ممکن است بازسازی صورت گیرد اما رویدادها را نمیتوان امتحان کرد. در این روش فرضیه ها، مورد امتحان تجربی قرار داده میشوند. توانایی ادراکی و استدلال منطقی در هر مرحله کار تحقیق سنتی یا علمی نقش کلیدی را ایفا مینمایند. به این استدلالها توجه مینماییم. ایرل بابی در اثر خویشتوصیح مینماید.

⁷ Timothy Fitzgerald (2000). The Ideology of Religious Studies. NY: Oxford University Press. P. ix.

استدلال اینداکتیف⁸

از خاص به سوی عام یعنی از یکدسته مشاهدات ویژه به سوی دریافت یک خط کلی که به درجه ای از نظم در رویدادهایی مورد تحقیق میانجامند.⁹

استدلال دیداکتیف¹⁰

بر عکس آن یعنی از سوی عام به سوی خاص سیر مینماید. یعنی از (۱) یک خط یا اصل کلی که از نظر منطقی یا تیوریتیکی توقع میرود، به سوی (۲) مشاهدات که امتحان مینماید آیا آن خط کلی یا قاعده کلی واقعاً رخ میدهد.¹¹

به گونه مثال سیلوجیزم معروف:

انسان میرنده است

سقراط انسان است

نتیجه: سقراط میرنده است.

آیا این بیان منطقی حقیقت دارد؟

اللّه میفرماید: (هر نفسی ذایقه مرگ را چشیدنی است.) دانش یک فرد معتقد و مومن دانش متکی بر دانش الهی است، بدین معنا وقتی یک مومن بدون تحقیق میپذیرد که (هر یکی بسوی اللّه باز میگردد) دانش وی دانش متکی بر دانش الهی است. به چنین نوع دانش در علوم دیرایفد نالج گویند. موارد زیادی از حقایق دینی را بر اساس

⁸ Inductive reasoning

⁹ Earl Babbie 1998:35

¹⁰ Deductive reasoning

¹¹ Earl Babbie, 1998:36

روش علمی میتوان مورد تایید قرارداد. ما از نظر علمی نیز میتوانیم حقیقت (میرندگی انسان) را امتحان نماییم.

میتوانیم تعدادی افراد را تحت مطالعه قرار دهیم تا ببینیم آیا واقعاً هریکی از گروپ مختلط پیر و جوان ذایقه مرگ را چشیده است و یا به عقب مینگیریم.

۲. روش سنتی:

روش سنتی همان روش تفکر انسانی است که دانشمندان در گذشته ها قبل از انکشاف روش علمی از آن در کار تحقیق استفاده میکردند. این روش امروز نیز مورد استفاده قرار دارد. کانتیمپلیشن که آن را میتوان تعمق فکری انتقادی نامید یک مثال آن است. یک روش ساده آن را ما هر روز به کار میبریم. ایرل بابی روش سنتی را (تحقیق عادی انسانی¹²) نامیده است¹³.

وی می مینگارد

{Thus, the human inquiry aims at answering both “What” and “Why” questions and we pursue these goals by observing and figuring out} (Earl Babbie 1998:19).

به قول ایرل بابی تحقیق عادی انسانی هم هدف پاسخگویی به پرسشهای (چه) و (چرا) را دارد و ما این اهداف را از راه مشاهدات و دریافت پاسخ دنبال مینماییم (ایرل بابی، ۱۹۹۸، ص. ۱۹).

اکنون که روشهای علمی و سنتی را در خطوط کلی از نظر گذرانندیم به مقایسه آن دو میپردازیم.

¹² Ordinary human inquiry

¹³ Ibid. 1998:18

مشابهت‌های روش‌های سنتی و علمی

مشاهدات، استدلال و نتیجه‌گیری عناصر کلیدی در هر دو شیوه تحقیق علمی و سنتی اند. هر سه عنصر کلیدی از درک انسانی متأثر می‌گردند.

درک یا پرسپیشن¹⁴ پروسه‌ای است که بوسیله آن مغز جریان معلومات را در مورد محیط از راه اعضای حسی دریافت مینماید و ارگانیزم را کمک مینماید آن مواد خام را معنا دار سازد¹⁵.

Perception the process by which the BRAIN receives the flow of information about the environment from the sense organs and uses this raw material to help an organism make sense of that environment(David Statt, 2003)

تفاوت در میتد کار روش‌های یاد شده وجود دارد. تحقیق علمی روش سیستماتیک را به کار میبرد که به نام میتدالوژی علمی شهرت دارد. اما روش علمی بی عیب نیست. موردی از سخنان جان زیمن¹⁶ را در اینجا به گونه مثال با هم میخوانیم:

affirms that scientific research is not essentially distinct from the many other ways in which we humans typically get to know about 'life, the universe, and everything'. In principle, we should be taking a holistic view that covers 'the whole picture'. In practice, each discipline may still look at only one particular aspect of this picture, and report what it sees in its own particular language. The fact is, quite simply, that the barriers of comprehension between these languages are so high that a transdisciplinary viewpoint is required to transcend them (John Ziman 2004:8.)

جان زیمن در متن فوق به حقایقی آتی اشاره مینماید:

¹⁴ perception

¹⁵ David A. Statt, 2003.

¹⁶ John Ziman, 2004:8.

۱. تحقیق علمی از سایر شیوه‌هایی که انسانها برای شناخت زندگی، کاینات و ... به کار می‌برند چنان متمایز نیست.
۲. ما باید یک دید جامع را اختیار نماییم تا یک (تصویر کلی) را بازتاب دهد.
۳. در عمل هر رشته تنها به یک قسمت ویژه این تصویر می‌بیند.
۴. حقیقت خیلی ساده است که موانع ادراکی میان این بیانها آنقدر بلند اند که برای عبور از آن موانع به یک دید میان رشته‌ای نیاز است (John Ziman, 2004:8).

کوپن و یولیان در مقدمه اثر خویش در مورد ساینس مینگارند: به اضافه، موضعگیری ساینس سالم از آنچه آنان وعده کرده بودند منحرف گردید، زیرا ساینس سالم دریافت حقیقت است هرجایی که قرار داشته باشد، نه حمیات از صنایع سودآفرین.

Moreover, the very attitude of proper science was perverted by what they promised; for proper science aims at truth wherever it lies, rather than at support for a profitable industry (W.V. Quine and J.S. Ullian, 1978: P. 7).

در کار تحقیق از هرنوعی که باشد محقق از دانش و تجربه شخصی و جمعی و از توانایی ادراکی خویش تحت تاثیر سیستم باورهایی که دارد استفاده مینماید.

دیوید مارش و پاول فرلانگ
چنین بیان کرده اند:

Each social scientist's orientation to their subject is shaped by their ontological and epistemological position. Most often those positions are implicit rather than explicit, but, regardless of whether they are acknowledged, they shape the approach to theory and the methods which the social scientist utilizes (David Marsh and Paul Furlong, 2002:17; Mark Blyth, 2002:37, in: David Marsh and Paul Furlong 2002 "Institution and Ideas. Pp.292-310).

خلاصه سخن دیوید مارش و پاول فرلانگ این است که تمایل هر دانشمند علوم اجتماعی به موضوع مورد توجه وی بوسیله موضعگیری انتالوژیک و ایپیستیمولوژیک وی شکل میگیرد، که اغلب بصورت آشکار نه بلکه به شکل ضمنی وجود دارند که برخورد وی را به تیوری و روشهایی که به کار میبرند شکل میدهد.

ماری کلارک در این رابطه مینگارد:

The opening quote from anthropologist Richard Shweder sets the frame for this chapter. His premise that ultimate reality is always hidden from us and that we can only construct a tissue of ideas as a working image of truth is one I accept in this book. But it goes against the grain of an absolutist Western science, some exponents of which firmly believe their methods of inquiry will ultimately reveal all that exists in the universe. One of the world's most respected biologists, Edward O. Wilson, is among them. His recent book *Consilience* lays out in elaborate detail his own vision of how science will ultimately explain all aspects of human nature, pulling all the disciplines into a single, scientifically-based explanation.¹ Over fifty years ago, when training as a scientist, I too held this grand belief as an article of faith. It all seemed so reasonable, so satisfying. Much hard thinking has led me to be more circumspect . . . (Mary E. Clark, 2002:39).

خلاصه بیان ماری کلارک چنین است:

بیان ریچارد شویدر که این فصل با آن افتتاح گردیده ابراز میدارد که واقعیت نهایی همیشه از ما پنهان است و ما تنها میتوانیم افکاری را بحیث یک نماد کاری حقیقت ایجاد نماییم. من در این اثر خویش با وی موافقم. اما این باور با درک قاطعانه ساینس غربی در مخالفت قرار دارد. برخی از هواداران این دید قاطعانه باورمند اند که روش تحقیق آنان در نهایت همه چیز کاینات را افشا مینماید. ادوارد او. ویلسن یکی از بیولوژیستان خیلی مورد احترام جهانی در اثر تازه زیر نام (کانسیلینس) با تفصیل دید خود را در مورد اینکه ساینس سرانجام همه ی جهات ماهیت انسان را در یک توضیح واحد علمی توضیح خواهد کرد، یکی از آنان است. من نیز، پنجا سال قبل وقتی بحیث ساینستست آموزش

میدیدم این باور نیرومند را داشتم. خیلی مستدل و رضایتبخش به نظر میرسید. تفکر بسیار دشوار من را به آن رسانید که خیلی محتاط باشم ...

روش کار مولف:

موضوع مورد بحث در این رساله با توصیه ها و احکام الهی رابطه عمیق و ناگسستنی دارد، اینها اساس نورماتیف کار کنونی را میسازند. در قرآن کریم و سنت میکانیزمهای عملی توصیه گردیده اند که فرد را کمک مینمایند راه توصیه شده از سوی خالق کاینات را بتواند بصورت مستمر ادامه دهد. مشخصه این روش با بیان علمی (فرضیه و امتحان تجربی فرضیه) همگونی دارد، وقتی شما یک حکم الهی را مانند منع شراب در نظر میگیرد و فرض مینمایید که نوشیدن شراب زیانآور است یا سودمند. آنگاه این فرضیه را از راه مشاهدات میتوانید امتحان نمایید. اما به یک تفاوت بزرگ باید در این رابطه توجه کرد که ما با بیانات خالق کاینات روبرو هستیم و از نظر منطقی دانش خالق کاینات نمیتواند مورد سوال قرار گیرد زیرا خالق کاینات معتبرترین منبع دانش است. وقتی یک دانشمند توصیه نماید واکسین ... برای شفا یا جلوگیری از یک بیماری معیین تهیه گردیده، ما همه پذیرفته ایم. حتی از اعلانات پیروی کرده ایم. ما در عملکرد روزانه بر منابع اتکا مینماییم و بر اساس آنها تصامیم حتی حیاتی اتخاذ مینماییم. هیچ منبعی بهتر از یک خالق کاینات معتبر نیست.

برای اثبات منطقی ادعای انسان محور بودن دین اسلام بیشتر با توصیه ها و احکام نورماتیف سروکار داریم. احکام و توصیه های نورماتیف آنچه هایی اند که (باید باشند) یعنی حالت مورد توقع یا اهداف استراتژیک اند که برای دستیابی آنها باید سعی گردد. ما

نمونه های عملی و زنده تحقق پذیری آن را در جامعه اسلامی میبینیم.
 دو پرسشی که در این رابطه ایجاد میگردند عبارت اند از:
 نخست:

آیا این احکام و توصیه های نور ماتیف بحیث اهداف قابل دست یابی
 اند؟

دوم:

آیا میکانیزمهایی برای دستیابی به اهداف متزکره وجود دارند؟
 فصلهای این رساله به این پرسشها پاسخ فراهم میآورند.
 استدلال علمی اینداکتیف و دیداکتیف همان اهمیتی را برای رسیدن
 به نتیجه گیری های منطقی ایفا مینمایند که در روش علمی ایفا
 مینمایند. استدلال ابداکتیف خلی ممکن را میتواند برطرف نماید زیرا
 استدلال ابداکتیف یعنی انتخاب بهترین توضیح در حالاتی که
 چندین نتیجه گیری ممکن پنداشته میشود، راه حل را به دست میدهد.
 این مشکل در بحث احکام و توصیه های خالق کاینات پیش نیاید زیرا
 خالق کاینات بحیث (عقل کل) بهترین و معتبرترین منبع دانش است.
 با درک هدف و پیام دین اسلام درخواستیم یافت که دین اسلام به هدف
 هدایت انسانها نازل گردیده و میکانیزمها وسایل دستیابی به آن هدف
 را فراهم مینمایند. در مثال دوم، فرض مینماییم که بافردی روبرو
 هستیم که میخواهد دریابد آیا واقعاً شراب و قمار زیانبار اند؟
 الله متعال میفرماید:

۲:۲۱۹

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا
 أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ
 الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (۲۱۹)

مکارم شیرازی [۲:۲۱۹]

در باره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است. و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود.» اینچنین خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد، شاید اندیشه کنید!

۵:۹۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ
 عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۹۰)

بهرام پور [۵:۹۰]

ای مؤمنان! حق این است که شراب و قمار و بت‌های نصب شده و تیرهای بخت‌آزما، پلیدی [و] از عمل شیطان هستند، پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید

۵:۹۱

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدُوَّةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ
 وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (۹۱)

مکارم شیرازی [۵:۹۱]

شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و

فساد، و با این نهی اکید، خودداری خواهید کرد؟! قمار و شراب به ترتیب تذکر به اقتصاد و صحت و روابط اجتماعی زیانبار اند. این حقیقت را که آنها زیانبار اند میتوان با شواهد عینی حمایت کرد. به دو مثال برجسته دیگر که از اعتبار انکار ناپذیر در جامعه بینالمللی برخوردارند توجه مینماییم. ما همه به اعلامیه حقوق بشر و مواد آن بحیث اصول نورماتیف نه تنها باور داریم بلکه بر آنها حد اقل در ریتوریک سیاسی بحیث خطوط عدول ناپذیر تاکید داریم. پیمانہ رعایت پذیری آنها را در عمل نیز میدانیم. مثال دوم ارزیابی تحقق اهداف پالیسی بوسیله ابزار رسیدن به آن اهداف بحیث معیار اندازه گیری موفقیت پالیسی ها در سیاست و در اقتصاد و تکنالوژی و یا رعایت یا تخطی از حقوق بشر را از نظر علمی اندازه گیری نماییم. از نظر روش علمی در بسا موارد میتوانیم حقایق بیان شده در آیات قرآن کریم را مورد امتحان قرار دهیم، در آیات ذکر شده آنچه هایی که زیانبار اند با زیانهای آنها ذکر گردیده اند. بر علاوه دین بحیث روش زندگی مدل رفتاری را قرنهای قبل برای انسان فراهم گردانیده است. آیاتی از قرآن کریم را به گونه مثال میآوریم که نشان میدهند استدلالها در قرآن با شواهد همرا اند.

(۳۰:۸) الروم

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ ۗ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ﴿٨﴾

بهرام پور [۳۰:۸]

آیا پیش خود نیندیشیده‌اند که خدا آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز به حق و تا سر آمدی معین، نیافریده است؟ و [با این همه] بسیاری از مردم ملاقات پروردگارش را سخت منکرند. استدلال حضرت ابراهیم (ع) در آیات (6:75-77) (2:258)، نیز استدلال و گواه عینی را توأم کرده‌اند.

۲:۲۵۸

أَلَمْ تَدْرِ إِلَى اللَّهِ الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ وَمَا قَانَ اللَّهُ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأَتِي بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۲۵۸)

آیتی [۲:۲۵۸]

آن کسی را که خدا به او پادشاهی ارزانی کرده بود ندیدی که با ابراهیم درباره پروردگارش محاجّه می‌کرد؟ آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگار من زنده می‌کند و می‌میراند. او گفت: من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم. ابراهیم گفت: خدا خورشید را از مشرق برمی‌آورد تو آن را از مغرب برآور. آن کافر حیران شد. زیرا خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند

۶:۷۵

وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ (۷۵)
آیتی [6:75]

بدین سان به ابراهیم ملکوت آسمانها و زمین را نشان دادیم تا از اهل یقین گردد.

۶:۷۶

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ
مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (۷۶)

آیتی [۶:۷۶]

چون شب او را فروگرفت، ستاره‌ای دید. گفت: این است پروردگار من.
چون فرو شد، گفت: فرو شوندگان را دوست ندارم.

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي ۖ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي
﴿۷۷﴾ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ
هَذَا أَكْبَرُ ۖ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿۷۸﴾

مکارم شیرازی [۶:۷۷]

و هنگامی که ماه را دید که (سینه افق را) می‌شکافد، گفت: «این خدای
من است؟» اما هنگامی که (آن هم) غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم
مرا راهنمایی نکند، مسلماً از گروه گمراهان خواهم بود.»

مکارم شیرازی [۶:۷۸]

و هنگامی که خورشید را دید که (سینه افق را) می‌شکافت، گفت: «این
خدای من است؟ این (که از همه) بزرگتر است!» اما هنگامی که غروب
کرد، گفت: «ای قوم من از شریک‌هایی که شما (برای خدا) می‌سازید،
بیزارم!»

آیات نقل شده نه تنها مواردی را به گونه مثال نشان میدهند که میتواند
حقانیت آنها را بصورت تجربی تثبیت نمود، بلکه نمونه‌های استدلال
را نیز به ما می‌آموزانند. بدین گونه می‌بینیم که استدلال و تعقل در کار
تحقیقی این رساله نیز اساس دریافت و تایید حقایق اند.

در قرآن در رابطه با این حقیقت که دین اسلام برای هدایت به صراط مستقیم یعنی تعالی اخلاقی انسان نازل گردیده است آیات متعدد وجود دارد. در رابطه به میزان و پیمانہ دستیابی به مدارج تعالی اخلاقی باید به یاد داشت که الله متعال بر سعی و بر درجه سعی تاکید فرموده است:

۵۳:۳۹

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ (۳۹)

خرمشاهی [۵۳:۳۹]

و اینکه برای انسان هیچ چیز نیست مگر آنچه کوشیده است

۲:۲۸۶

لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِيْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا (286) وَأَرْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

خرمشاهی [۲:۲۸۶]

خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند، هر کس هر چه نیکی کند به سود او و هر چه بدی کند به زیان اوست، خدایا اگر [فرمانی را] فراموش یا خطایی کردیم بر ما مگیر، پروردگارا بار گرانی بر عهده ما مگذار، چنانکه بر عهده پیشینیان ما گذارده ای، پروردگارا آنچه تاب و توان آن را نداریم بر دوش ما مگذار، ما را ببخش و بیامرز و بر ما رحمت آور، تو مولای مایی، ما را بر خدا شناسان پیروز گردان.

(۷۶:۲۲)

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا ﴿۲۲﴾

خرمشاهی [76:22]

این پاداشی برای شماست و سعی شما مشکور است.
 دین دانش است و دانشی که در آن شک ی وجود ندارد. در نهایت نقلی
 در مورد دانش علمی از کوین و یولیان که خاطر نشان ساخته اند:
 « تصامیم در ساینس، همانند تصامیم زندگی، میتواند دشوار باشند. هیچیک معیاری برای
 باور مسوولانه وجود ندارد»

Decisions in science, as in life, can be difficult.

There is no simple touchstone for responsible belief (W. V. Quine and J.S. Ullian
 1978:8).

References

David A. Statt, (2003). *The Concise Dictionary of Psychology*. Third Edition. London and New York: Taylor & Francis e-Library.

Earl Babbie (1998). *The Practice of Social Research*. Eight Edition. Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company.

<https://www.merriam-webster.com/dictionary/Occam%27s%20razor>

John Ziman (2004). *Real Science, what it is, and what it means*. Cambridge, UK: The University of Cambridge.

David Marsh and Paul Furlong (eds.)(2002). *Theory and Methods in Political Science*. Second edition. London: Palgrave MacMillian.

Mary E. Clark (2002). *In Search of Human Nature*. London, NY, Canada: Routledge.

W. V. Quine and J. S. Ullian (1978). *The WSeb of Belief*. New York: McGraw Hill.

پایان فصل دوم

فصل سوم

هدف دین

پیام و هدف دین کلید درک دین است. اما خواننده کنجکاو پرسشهای دیگری نیز دارد که نخست به آنها باید توجه نمود مانند نیاز به دین از کجا ناشی گردیده ، و سوالهای مرتبط به آن. اما درک میکانیزمهای دستیابی به هدف / اهداف دین به شناخت ما از دین کمک مینماید. میکانیزمها یا ابزار رسیدن به اهداف باید به دستیابی به آن اهداف منتهی گردند. ابزار رسیدن به هدف لازمه های دیگری نیز باخود دارد. ابزار باید ما را به هدف برسانند. از نظر سیاسی نیز ابزار باید هدفمند باشند درست مانند تیری که به هدف اصابت مینماید و با موثریت این ماموریت را انجام دهند. اهداف و ابزار و میعاد تعیین شده ستونهای یک برنامه را میسازند. ساختن یک پل یا عمارت را درنظر میگیریم. برای اعمار یک پل یا یک عمارت بحیث هدف به ابزار نیاز است و این هدف در یک مدت معین تحقق میابد. از نظر دینی نیز چنین است. برای دستیابی به هدف دین شرایط ضروری یا بسنده

دستیابی به هدف عبارت اند از سعی مستمر، صبر و استقامت و زمان دستیابی به هدف. در این فصل نخست به چند پرسش مقدماتی پاسخ گفته میشود.

این پرسشها عبارت اند از:

۱. چرا الله متعال دین (روش سالم زندگی) را نازل و پیامبران را مبعوث گردانید؟

۲. الله متعال با ارسال صحایف و گماشتن پیامبران از انسانها چه میخواهد؟

پاسخ پرسش اولی را در آیه (۲۱۳) سوره البقره میابیم. پاسخ به پرسش دومی از یکسو خیلی مختصر است و از سوی دیگر خیلی مفصل. پرسشهای بعدی عبارت اند از:

دین چیست؟ پیام و هدف دین چیست؟ و چگونه به آن اهداف میتوان دستیافت؟

اکنون پاسخها را جستجو مینماییم.

چرا الله متعال دین اسلام (روش سالم زندگی) را نازل و پیامبران را مبعوث گردانید؟

پاسخ اساسی این است که انسانها نه تنها در گذشته های دور بلکه در قرن حاضر نیز مانند همیشه محتاج هدایت بوده اند. الله متعال در سوره (البقره) آیه (۲۱۳) به این پرسش پاسخ گفته است:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ

آمَنُوا لِمَا اٰخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاٰذْنِهِ ۗ وَاللّٰهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ اِلٰى صِرَاطٍ
مُّسْتَقِيْمٍ ﴿۲۱۳﴾

انصاریان [۲:۲۱۳]

مردم [در ابتدای تشکیل اجتماع] گروهی واحد و یک دست بودند [و اختلاف و تضادی در امور زندگی نداشتند]، پس [از پدید آمدن اختلاف و تضاد] خدا پیامبرانی را مژده دهنده و بیم رسان برانگیخت، و با آنان به درستی و راستی کتاب را نازل کرد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کند. [آن گاه در خود کتاب اختلاف پدید شد] و اختلاف را در آن پدید نیاوردند مگر کسانی که به آنان کتاب داده شد، [این اختلاف] بعد از دلایل و برهان های روشن و آشکاری بود که برای آنان آمد، [و سبب آن] برتری جویی و حسد در میان خودشان بود. پس خدا اهل ایمان را به توفیق خود، به حقی که در آن اختلاف کردند، راهنمایی کرد. و خدا هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می کند.

(۹:۳۳)

هُوَ الَّذِي اَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهُدٰى وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلٰى الدِّيْنِ كُلِّهِ وَلَوْ
كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ ﴿۳۳﴾

آیتی [۹:۳۳]

او کسی است که پیامبر خود را برای هدایت مردم فرستاد، با دینی درست و بر حق، تا او را بر همه دینها پیروز گرداند، هر چند مشرکان را خوش نیاید. قرآن نیز الفرقان نامیده شده برای رفع اختلاف و هدایت به راه راست نازل گردیده.

وقتی به تفکرات گذشتگان در مورد دین و مذهب و به دسته ها و فرقه ها و تعبیرهای آنان توجه نماییم این اختلافها را هنوز هم در تفکرات آنان درمیابیم. ما که هنوز شاهد اختلافات عمیق هستیم، قرآن به آنها پاسخ گفته است. سوره اخلاص به چند اختلاف یا غلط فهمی پاسخ میگوید. در بحث مربوط به تعریف دین در این رابطه خواهیم خواند.
سوره اخلاص (۱۱۲) میفرماید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾
 وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾

در مکه نازل شده و چهار آیت است

بنام الله گسترده مهر بس مهربان

﴿١﴾ (ای پیغمبر) بگو: او الله یگانه است. ﴿٢﴾ (و) الله از هر چیز بی نیاز (و بر طرف کننده نیازها) است. ﴿٣﴾ نه کسی را زاده، و نه او زاده شده است. ﴿٤﴾ و هیچکس مانند و همتای او نیست.

سوره اخلاص اختلاف بر تعدد خدایان، بر اینکه الله پسری دارد و یا شریکی، را رد مینماید. زیرا میفرماید الله یگانه و بدون همتا و بی نیاز است، نژاد و زاده نشد.

قابل یاددهانی است که الله متعال در قرآن کریم به پرسش هایی پاسخ داده است که تاکنون پاسخ مطمین نداشته اند.
استیفن هاوکینگ از استیفن هاوکینگ میخوانیم:

Today we still yearn to know why we are here and where we came from. Humanity's deepest desire for knowledge is justification enough for our continuing quest. And our goal is nothing less than a complete description of the universe we live in (Hawking Stephen (n.d.):9).

پرسش دوم

اللہ متعال با ارسال صحایف و گماشتن پیامبران از انسانها چه میخواهد؟ پاسخ کوتاه به این پرسش را در آیات قرآن کریم میابیم.

دین به بیان کوتاه برای هدایت انسانها به صراط مستقیم نازل گردیده است. صراط مستقیم عبارت است از ایمان به الله یگانه و بی همت و اطاعت از اوامر و هدایات او تعالی. این دین بوسیله قرآن کریم بر پیامبر خاتم النبیین حضرت محمد (ص) نازل گردیده. متن نشانی شده به بر اساس این حدیث که (الهه صوره کم انسان علی صورته) میتوان گفت که الهه متعال از انسانها میخواهد از راه پیروی از هدایات و توصیه های او تعالی به مدارج عالی اخلاقی دست یابند.

سنت الهی بهترین پاسخ را به این پرسش فراهم مینماید. یک نتیجه گیری منطقی از سنت الهی این است که الله متعال از طریق سنت خویش نیز انسانها را هدایت مینماید. واضح است که انسانها که از حقیقت آگاه نباشند باید از حقیقت آگاه گردند برای این آگاهی ما در زندگی روزانه نیز به رسانه های جمعی به مجلات و روزنامه ها و ... نیاز داریم. سنت الهی از یکسو مدل رفتاری را فراهم مینماید و از سوی دیگر حق آگاهی انسانها از هدایات و پیامدهای آن را نیز به ما

میآموزاند. بدین گونه سنت الهی برای انسان قابل فهم گردیده است. پیام الهی را پیامبران ابلاغ و توضیح کرده اند. دین را باید تعریف کرد زیرا باید دانست دین چیست که ما از هدف آن سخن میگوییم. زیرا آنچنانیکه که خواهیم دید تعریف دین از هر دیدگاه متفاوت است.

تعریف دین

تعریف دین بخصوص دینی که در این رساله مطرح بحث است مقدم بر همه به این دلیل ضروری است که در رابطه با آن چند غلطفهمی معروف وجود دارد. دین اسلام بر اساس کلام الهی عبارت از همه ی آن صحایف و پیامبران را شامل میگردد که با نزول قرآن و بعثت حضرت محمد بحیث آخرین پیامبر کامل اعلام گردیده است. درآیه ۳ سوره المایده این حقیقت را میخوانیم:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ۚ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ ۗ الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ ۗ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ۗ فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ ۗ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳﴾

مکارم شیرازی [5:3]

گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، و حیوانات خفه شده، و به زجر کشته شده، و آنها که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده

باشند، و باقیمانده صید حیوان درنده - مگر آنکه (بموقع به آن حیوان برسید، و) آن را سرببرید- و حیواناتی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می‌شوند، (همه) بر شما حرام شده است؛ و (همچنین) قسمت کردن گوشت حیوان به وسیله چوبه‌های تیر مخصوص بخت آزمایی؛ تمام این اعمال، فسق و گناه است - امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابر این، از آنها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم- اما آنها که در حال گرسنگی، دستشان به غذای دیگری نرسد، و متمایل به گناه نباشند، (مانعی ندارد که از گوشتهای ممنوع بخورند؛) خداوند، آمرزنده و مهربان است. غلط فهمی در این واقعیت قرار دارد که آنچه‌هایی که به نام مسیحیت، یهودیت و اسلام‌ب‌حیث سه دین مستقل و جداگانه به نام (ادیان ابراهیمی) شهرت دارند، بر اساس قرآن کریم مراحل مختلف تاریخی دین واحد به نام اسلام اند. آیات متعددی گویای این حقیقت اند.

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

﴿۱۹﴾

مکارم شیرازی [3:19]

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می‌رسد؛ زیرا) خداوند، سریع الحساب است.

(۳:۸۵) آل عمران

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ
الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾

مکارم شیرازی [3:85]

و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود
انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است.

(۱۰:۸۴) یونس

وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ
مُسْلِمِينَ ﴿٨٤﴾

مکارم شیرازی [10:84]

موسی گفت: «ای قوم من! اگر شما به خدا ایمان آورده‌اید، بر او توکل
کنید اگر تسلیم فرمان او هستید!»

الحج ۲۲:۷۸

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۗ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ
حَرَجٍ ۗ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ ۗ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا
لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۗ فَأَقِيمُوا
الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ ۗ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ
النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

مکارم شیرازی [22:78]

و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید! او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد؛ از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد، و شما گواهان بر مردم! پس نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و به خدا تمسک جوید، که او مولا و سرپرست شماست! چه مولای خوب، و چه یاور شایسته‌ای!
(۳۰:۳۰)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾
مکارم شیرازی [30:30]

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند نتیجه سعی و عمل مغز { غلط فهمی دیگر این است که برخی دین ر وعده ای هم آن را تخیلی و یک (John B. Noss, 1956:6) انسان پنداشته اند. و باز (B.J. Verkamp, 1995:10) بینظمی عصبی دانسته برخی آن را از نظر عمل مسلمانان تعریف نموده اند و یا از نظر باورهای آنان به موجودات مافوق طبیعی. چنین تعریفها، نمیتواند دین را معرفی نمایند زیرا دین را به چند نماد ظاهری و مراسم دینی تقلیل داده و تعریف مینمایند. تعریف دین باید معرفی کننده باشد تا آن را در میان سایر ادیان بتوانیم تشخیص دهیم. تعدادی هم دین اسلام را بحیث دین ۱، دین ۲ و دین ۳ تعریف کرده اند (مصطفی ملکیان، ۱۳۹۵، ج. ۲، ص. ۲۶۲) و گویا از یک دین سه دین ساخته اند.

ملکیان دین را بر اساس (مراد از دین) تعریف کرده است: دین ۱ یعنی دین مبتنی بر قرآن و سنت، دین ۲ یعنی دین از نظر علمای دینی و مفسران و دین ۳ یعنی دین در عمل. ابن ورق (ابن ورق، ۱۹۹۵، ص. ۱) نیز در همین راستا استدلال مینماید.

شاهرخت علی و علی حقی، دین پژوهی مصطفی ملکیان، بررسی و نقد. جستارهای فلسفه دین. سال ششم، شماره اول سال ۱۳۹۶. ص. ۱۰۹-۱۲۶.

رایبرت کرافورد میپرسد: آیا دین را میتوان تعریف کرد؟ و سپس از تعریفهایی مثال میآورد که ابراز میدارند: آنانی که به کلیسا، مسجد، گوردواره میروند دارای مذهب اند. به عقیده کرافورد این تعریف دین نیست بلکه توجه را به محلات نیایش و عبادت بر میگرداند (Crawford R., 2002:1).

تعریف دین هالورسن قابل دقت است. وی مینگارد: دین عبارت از مجموعه ای از باورها است که به اساسی ترین پرسشها مانند: واقعیت بنیادی چیست؟ ماهیت جهان و انسان چیست؟ مشکل اساسی بشریت چیست، پس از مرگ چه اتفاق میافتد، پاسخ میدهد¹⁷. در رابطه با تعریف هالورسن باید گفت که یک دید فلسفی یا سیاسی به گونه مثال ماتریالیسم میتواند به این پرسشها نیز پاسخ گوید. هرگاه علم را بحیث دین یا مذهب در نظر گیریم به تعدادی از این پرسشها یا پاسخ فراهم نموده یا در پی پاسخ دهی آنها قرار دارد. منبع این پاسخها دارای اهمیت تعیین کننده است درست مانند اینکه در زندگی

¹⁷ Dean C. Halverson, 1996.

روزانه منبع ما یک شاهد یک رویداد است و یا یک دیتاکتیف یا محقق و یا مخترع و مکتشف.

تعریف مولف این رساله

تعریف دین کار دشوار است اما یک تعریف بهتر از دین ناممکن نیست.

دین اسلام در حقیقت شیوه زیستن را به آن گونه ای که خالق کاینات به آن رضایت دارد، توصیه مینماید. این تعریف بر آیه (۳) سوره المایده (۵) بنا گردیده که دین اسلام:

۱. نه محصول مغز انسان است.

۲. نه نوعی از بیماری عصبی، بلکه توصیه ها و احکام نورماتیف الهی. دوتعریف آتی برای معرفی دین اسلام پیشنهاد میگردد:

۱. دین اسلام توصیه های الهی مبتنی بر ایمان برغیب بر خالق یکتا و بی همتا است که از طریق توصیه های نورماتیف و هدایات عملی آنانی را که به آن معتقد اند برای موفقیت در آزمونی دنیوی کمک مینماید.

۲. دین اسلام دینی است برگزیده شده بوسیله خالق آنچه هست و بود که انسان را از راه رعایت توصیه های نورماتیف الهی و هدایات عملی برای عروج از مرحله بالقوه به مرحله عالی اشرف مخلوقان بالفعل و در نتیجه موفقیت در امتحان دنیوی، کمک مینماید.

هر دو تعریف بر این حقیقت که منبع اساسی دین اسلام خالق کاینات است، بر نورماتیف و علمی بودن هدایات دینی، به انسان محور بودن دین، بر هدف دین بحیث تعالی اخلاقی و امتحان انسان، تاکید

دارند(هیکل، م. نبی ۲۰۲۴ . ص. ۱۰۱). هردو تعریف بیان کامل دین اسلام را که در سوره المایده معرفی گردیده، تعریف مینمایند. اکنون باهم میبیم دین مورد نظر ما چه پیامی برای انسانها دارد.

۳.۱

پیام دین اسلام

پیام اساسی دین اسلام را که همه ی پیامبران در گام نخست ابلاغ داشتند، عبارت است از وجود یک خالق واحد و یگانه تمام هستی. دومین سوره قرآن میفرماید:

الم ﴿۱﴾ ذٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ ﴿۲﴾ ۙ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۳﴾ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِيْنَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾
أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۵﴾

﴿۱﴾ الم. (مفهوم این حروف به الله متعال معلوم است). ﴿۲﴾ این کتابی است که هیچگونه شکی در (حقانیت) آن نیست، راهنمایی برای پرهیزگاران است. ﴿۳﴾ آنانکه به غیب ایمان می آورند و نماز را برپا می کنند و از آنچه به آنها روزی داده ایم (در راه الله) انفاق می کنند. ﴿۴﴾ و آنانکه به آنچه به سوی تو فرستاده شده است و به آنچه پیش از تو فرستاده شده است ایمان می آورند و آنان اند که به روز قیامت یقین دارند. ﴿۵﴾ همین کسان (که صفات شان ذکر شد) بر هدایتی از جانب پروردگارشان قرار دارند، و تنها ایشان رستگار و نجات یافته گان اند.

۳۴: ۲۴ النور

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ
وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

آیتی [۲۴:۳۴]

به تحقیق برای شما آیاتی روشن و داستانهایی از کسانی که پیش از شما
بوده‌اند و نیز اندرزهایی برای پرهیزگاران نازل کردیم.
آیه فوق نه تنها محتوای قرآن کریم را خلاصه کرده بلکه میفرماید توصیه
هایی نازل فرموده که به پرهیزگاری و تقوا میانجامند.

الله (ج) در آیه (۲:۲۱) میفرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَتَّقُونَ ﴿۲۱﴾

آیتی [۲:۲۱]

ای مردم، پروردگارتان را که شما و پیشینیانتان را بیافریده است
پرستید. باشد که پرهیزگار شوید.

هدایت به سوی (صراط المستقیم) یعنی به سوی رستگاری. در بحث
های بعدی خواهیم دریافت که چگونه به این رستگاری میتوان دست
یافت.

عبادت به معنای پرستش و اطاعت است که از راه ایمان و پیروی
از احکام و توصیه های دینی تحقق میابد. در حکم الهی (اطیع الله و
اطیع الرسول) نیز این بیان را میابیم. به زبان علمی آیات قرآنی
هدایات و توصیه های نورماتیف اند و سنت پیامبر اسلام نماد انطباقی
هدایات و احکام الهی اند، و عمل صالح مسلمان نیز نماد انطباقی

پیروی فرد از دین است. ما همچنان خواهیم دریافت که عمل صالح یعنی چنوع عملکرد.

سوره الفاتحه که قرآن کریم با آن آغاز میگردد، پیام دین را به نحو دیگر و از زبان بنده نمازگذار بیان میدارد. سوره فاتحه خواست فرد مومن را از خالق وی بیان میدارد و بیانگر تجدید تعهد فرد نمازگذار است. بیان سوره فاتحه با بیان سایر سوره ها متفاوت است. فرد مومن بدان وسیله اقرار مینماید ذات او تعالی را میپرستد و از وی هدایت و کمک میخواهد تا به راهی که او تعالی برگزیده وی را هدایت نماید.



سورة فاتحه

در مکه نازل شده و هفت آیت است

﴿۱﴾ بنام الله گسترده مهر بس مهربان. ﴿۲﴾ تمامی سپاس و ستایش ها مخصوص ذاتی است که پروردگار تمام جهانیان است. ﴿۳﴾ بسیار بخشنده (و) بسیار مهربان است. ﴿۴﴾ مالک (و اختیار دار) روز جزا (قیامت) است. ﴿۵﴾ (پس ای الله! تنها) تورا عبادت می کنیم و (در کارهای خود) تنها از تو کمک می خواهیم. ﴿۶﴾ ما را به راه راست هدایت کن (و ثابت قدم دار). ﴿۷﴾ راه آنان که بر آنها نعمت ها بخشیده ای، نه (راه) آنان که بر آنها خشم گرفته ای، و نه راه گمراهان.

پیام دین اسلام را بر اساس آیات قرآن مجید به گونه آتی میتوان خلاصه نمود:

به خالق یگانه ایمان آورید که شما را و پیشینیان شما (۲:۲۱)، (۲۶:۱۸۴) را خلق کرده، خالق که آسمانها و زمین و آنچه را که در میان آنها قرار دارند آفریده (۳۲:۴). شما را نخست از (صلصال کالفخار) (۶۷:۴۰ و ۳۲:۷)، (۵۵:۱۴) و از نفس واحد (۳۹:۶، ۴۹:۱۳) و از آب جهنده (۵:۸۶-۷) آفرید، و در (اسفل السافلین) (۹۵:۵) و بر روی زمین بحیث خلیفه (۲:۳۸-۳۰) در آزمایش قرار داد (۹۰:۴) تا کدام یک از شما خوب عمل مینمایید (۱۱:۷). او تعالی شما را آفریده و بسوی او برمیگردید (۱۱:۴). الله بر همه چیز شاهد و آگاه است. هرآنکه ایمان آورد و عمل صالح

انجام دهد، اعمال وی نادیده گرفته نمیشود (۲:۲۵، ۱۱:۱۱، ۱۱:۲۳)
 (او تعالی دو راه را در برابر انسانها قرار داده (8:90-17)) میخواهند
 شکر گزار باشند یا ناشکر گذار. آله بی نیاز از عالمیان است اما راضی
 نیست بندگان وی گمراه گردند، (الزمر ۷:۳۹) ، (۷۶:۳).
 (۳۹:۷)

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ ۖ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ ۗ وَإِنْ تَشْكُرُوا
 يَرْضَهُ لَكُمْ ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا
 كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۷﴾

مکارم شیرازی [۳۹:۷]

اگر کفران کنید، خداوند از شما بی نیاز است و هرگز کفران را برای
 بندگانش نمی پسندد؛ و اگر شکر او را بجا آورید آن را برای شما
 می پسندد! و هیچ گنهکاری گناه دیگری را بر دوش نمی کشد! سپس
 بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام
 می دادید آگاه می سازد؛ چرا که او به آنچه در سینه هاست آگاه
 است (۷۶:۳)

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿۳﴾

مکارم شیرازی [۷۶:۳]

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!
 هرآنکه به ذات مقدس وی از غیب (۴۹:۲۱، ۱۱:۳۶، ۱۸:۳۵، ۱۲:۶۷) و به
 فرشتگان، کتب الهی به پیامبران الهی و به روز حساب ایمان آورند و
 عمل صالح انجام دهند پاداش عظیم به دست آرد، هر آنکه آیات الهی ر
 ا تکذیب نماید مجازات خواهد شد. همه مخلوقات بسوی الله برای
 دریاف اجر برمیگردند.

دلیل و گواه دیگر که دین برای هدایت انسان نازل گردیده و پیامبر نیز برای ابلاغ و توضیح آن دین به انسانها مبعوث گردیده این است که انسان مورد امتحان قرار دارد که کدام یک آنان ایمان میآورند و عمل صالح انجام میدهند. روزی یک دوست پرسید الله متعال از همه چیز آگاه است و هیچ چیزی در دنیا اتفاق نیافتد مگر اینکه از قبل بوسیله او تعالی رقم زده نشده باشد. پس اوتعالی نیازی برای امتحان ندارد زیرا میدانند کیهان ایمان میآورند و عمل خوب انجام میدهند.

پاسخ این پرسش را در آیات (۳:۱۷۶)، (۷:۳۹)، (۸:۹۰-۱۷)، (۳:۷۶) میابیم، زیرا الله متعال به بندگان خویش اختیار انتخاب راهی را که توصیه فرموده اعطا کرده است.

﴿۳﴾ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

ما میتوانیم ادعا نماییم که انسانها روباتهای فوق العاده مغلق اند که الله متعال آفریده است زیرا از یکسو برنامه ریزی شده اند و از سوی دیگر دارای اختیار و احساس و عواطف اند، در حالیکه فرشتگان چنین نیستند. چنین یک روبات مورد امتحان قرار میگیرد زیرا باید احکام و توصیه های الهی را بر احساسات درونی و ، وسوسه های شیطانی و سایر مشوقها و انگیزه هایی که خلق گردیده اند ترجیح دهند اگر خواهند در امتحان پیروز گردند.

آیاتی که نشان میدهند دنیا آزمایشگاه است و انسانها برای امتحان خلق شده اند عبارت اند از:

(۶۷: ۲)

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ

﴿۲﴾

آیة [۶۷:۲]

آن که مرگ و زندگی را بیافرید، تا بیازمایدتان که کدام یک از شما به عمل نیکوتر است و اوست پیروزمند و آمرزنده.

(۲: ۱۵۵)

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
وَالثَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ

آیة [۲:۱۵۵]

البته شما را به اندکی ترس و گرسنگی و بینوایی و بیماری و نقصان در
محصول می‌آزماییم. و شکیبایان را بشارت ده ﴿۱۵۵﴾.

آیات (۳۹:۴۱،۴۳)

۳۹ - سورة زمر

جزء ۲۴

﴿۴۱﴾ البته ما این کتاب را برای (هدایت) مردم به حق برتونازل کردیم، پس هرکس که هدایت یابد به نفع خود اوست، و هرکس که گمراه گردد، تنها به زیان خود گمراه می‌شود، و تو بر آنان وکیل و نگهبان نیستی. ﴿۴۲﴾ الله است که جان‌ها را در وقت مرگشان می‌گیرد، و نیز آن (جانی) که نمرده است (آنرا) وقت خوابش (می‌گیرد)، و (جانی را) که به مرگ آن حکم قطعی کرده است نگاه می‌دارد، و آن دیگر را تا زمان معینی باقی می‌گذارد، یقیناً در این امر نشانه‌های روشن (و بزرگ الهی) برای کسانی است که (در قدرت الله) فکرمی کنند. ﴿۴۳﴾ آیا غیر

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ
 وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿٤١﴾ اللَّهُ
 يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ
 الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي
 ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ
 شُفَعَاءَ قُلْ أَوْلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٣﴾ قُلْ
 لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
 ﴿٤٤﴾ وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٥﴾ قُلْ
 اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ
 بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا
 مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾

(11:7)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتِ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

آیتی [11:7]

اوست که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر روی آب بود. تا بیازماید کدام یک از شما به عمل نیکوتر است. و اگر بگویی که بعد از مرگ زنده می‌شوید، کافران گویند که این جز جادویی آشکار نیست.

(۱۸:۷)

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

آیتی [۱۸:۷]

ما هر چه در روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا امتحانشان کنیم که کدامشان به عمل بهترند.

(۱۶:۹۲)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا تَتَّخِذُونَ أَيْمَنَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبُ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلِيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

آیتی [۱۶:۹۲]

و همانند آن زن که رشته‌ای را که محکم تافته بود از هم گشود و قطعه قطعه کرد مباحثید، تا سوگندهای خود را وسیله فریب یکدیگر سازید بدین بهانه که گروهی بیشتر از گروه دیگر است. خدا شما را بدان

می‌آزماید، و در روز قیامت چیزی را که در آن اختلاف می‌کردید برایتان بیان می‌کند.

پیام دین هدف دین را با صراحت نشان می‌دهد. اکنون بر هدف دین اسلام مکث مینماییم.

هدف دین

دین اسلام برای هدایت انسانها به راه مستقیم نازل گردیده است (سوره الفاتحه، آیه ۲۱۳). صحایف الهی برای هدایت انسانها به راهی مستقیم نازل و پیامبران برای ابلاغ پیام و توضیح هدایات گماشته شده‌اند. این یک تنها یک رهنمود نور ماتیف نیست بلکه یک مدل رفتاری را نیز برای انسانها فراهم می‌سازد، و انسان را که با بهترین صورت خلق گردیده به تعقل و تحقیق فرامیخواند.

به شیوه دنیوی نیز ما این مدل را هم بصورت طبیعی وهم بصورت علمی دنبال مینماییم: هدف تعیین مینماییم و ابزار و وسایل رسیدن به آن را فراهم مینماییم. الله متعال هدف و ابزار رسیدن به آن را نیز توصیه فرموده است. در فصل بعدی بر ابزار رسیدن به هدف دین مکث مینماییم.

به این نکته مهم باید توجه نمود که اطاعت از الله و پیامبر وی حضرت محمد (ص) تنها از طریق پیروی از دین اسلام ممکن است که الله متعال آن را بحیث دین انسانها در قرآن (۵:۳) پسندیده و توصیه فرموده است.

هدایت انسانها به صراط مستقیم بیان ساده و کوتاه هدف دین است. این صراط مستقیم همان دین اسلام بحیث آن شیوه زندگی است که

خالق کاینات در سوره المایده آیه سوم فرموده : امروز دین را کامل ساختم و راضی هستم دین شما باشد). این هدف عبارت از تعالی اخلاقی انسان است که با بهترین توانایی ها (احسن القویم) آفریده شده و سپس در پایینترین سطح (ثم ردنا اسفل سافلین) قرار داده شده است، تا با پیروی از توصیه ها و احکام الهی و رهنمایی انطباقی پیامبر وی حضرت محمد (ص) از (اسفل السافلین) به آن درجه اخلاقی دست یابد که هدف دین تعیین گردیده است. انسان مختار و آزاد گذاشته شده تا یکی از راه ها (نجدین) را انتخاب نماید و مسوولیت پیامدهای آن نیز بر عهده انسان منفرد قرار داده شده است. (لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ). آزادی تغییر مسیر نیز اعطا گردیده است.

(۲:۱۴۱)

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آیتی [2:141]

آنان امتهایی بوده اند که اکنون درگذشته اند. آنچه آنها کردند از آن آنهاست و آنچه شما می کنید از آن شماست و شما را از اعمال آنها نمی پرسند. آشکار است که خدای بی نیاز از عالمیان نه به عالمیان و نه به عبادت آنان نیاز دارد. در سوره بقره (۲:۳۰) میخوانیم:

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾

آیتی [۲:۳۰]

و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه‌ای می‌آفرینم، گفتند: آیا کسی را می‌آفرینی که در آنجا فساد کند و خونها بریزد، و حال آنکه ما به ستایش تو تسبیح می‌گوییم و تو را تقدیس می‌کنیم؟ گفت: من آن دانم که شما نمی‌دانید.

الله انسان را بحیث خلیفه بر روی زمین خلق کرده است و برای وی راهی را برگزیده تا دنبال نماید و برای نشان دادن این راه پیامبری را بحیث خاتم الانبیا مبعوث و قرآن را بر وی نازل فرموده است.

کلمه خلیفه قابل مکث است زیرا اسد آن را (به ارث بردن) ترجمه کرده و صحیح انترنیشنال کلمه (خلیفه) را (یک صلاحیتدار بعدی) ترجمه کرده است. دکشنری قرآن کریم نیز از مره به همین معنا آورده است

[2:30] Sahih International

And [mention, O Muhammad], when your Lord said to the angels, "Indeed, I will make upon the earth a successive authority." They said, "Will You place upon it one who causes corruption therein and sheds blood, while we declare Your praise and sanctify You?" Allah said, "Indeed, I know that which you do not know." Khalīfah (خلیفه) Supreme chief; Successor; Religious head. Ibn Masūd and Ibn 'Abbas explain this word as one who judges among or rules the creatures of God by his command. The word Khalīfah (خلیفه) in 2:30

refers also to the children of Adam, i.e., the whole of mankind, the correctness of their view is corroborated by the Holy Qur'ân itself (6:165), (Abdul Mannan Omar, Dictionary of the holy Quran, 2010. Noor Foundation International, Inc.)

درک مولف این است که الله متعال انسان را برای حکمروایی بر روی زمین خلق کرده و برای آنان راه و شیوه زندگی را برگزیده تا اگر خواهند رستگار گردند آن شیوه زندگی را دنبال نمایند. این درک را سایر آیات

قرآنی نیز حمایت مینماید وقتی ما به خلقت انسان (فی احسن التقویم) قابلیت‌های اعطاشده به انسان، به هدایات و احکام الهی توجه مینماییم، به امتحان و به روز حساب و مکافات و مجازات را در نظر می‌گیریم، انکار نمیتوان کرد که انسان امروزی مدیریت امور را بر روی زمین در اختیار دارد. الله متعال همزمان مدل رهنمودی را برای اداره امور زندگی نیز فراهم ساخته است.

یک مثال دنیوی این حقیقت را به خوبی تصریح مینماید: فرد و یا جمع از نماینده خویش میخواهد هدایات وی را دنبال نماید و نماینده پاسگویی اعمال خود است. ما همچنان میتوانیم مدلهای حکومتداری های متمرکز و غیر متمرکز و روابط حکومت های مرکزی و حاشیوی را به گونه مثال در این رابطه در نظر گیریم.

از آنجاییکه دین را الله برای هدایت بندگان خویش نازل فرموده و پیامبر (حضرت محمد) (ص) را نیز از میان آنان مبعوث گردانیده، و الله متعال بینباز از بندگان و عبادت آنان است، زیرا او تعالی هرکه را خواهد هدایت مینماید، میتوان استدلال نمود که دین اسلام انسان محور است ، زیرا برای هدایت وی در این دنیا و رستگاری وی در دار الاخره و به نفع وی نازل گردیده است.

تا اینجا نشان داده شد که دین اسلام از همان آغاز برای هدایت انسان نازل گردیده (۲:۲۱۳) و صحایف و پیامبران متعدد به شمول قرآن و آخرین پیامبر، این پیام واحد را به انسانها در مقاطع مختلف زمانی رسانیده اند که خدای یگانه خالق (کل شی) را بپرستید و از پیامبران او تعالی پیروی نمایید. و ظایف پیامبران نیز رسانیدن پیام

الهی به آنان بوده است. حال باید دید دین چه راهی را برای هدایت انسانها توصیه کرده است. با این شیوه ها زیر نام میکانیزمها یا طرزالعمل ها در فصل بعدی آشنا میگردیم. اما پیش از ورود به فصل بعدی با یک درک متفاوت آشنا میگردیم که بر اساس آن دین را اجبار-محور معرفی مینمایند. بر اساس این درک تحمیل و اجبار دینی جاگزین قبول رضاکاران و صادقانه دین میگردد.

ادعای اجبار-محور بودن دین اسلام را بصورت خلاصه بر اساس آیات قرآن میتوان نفی نمود:

بدین معنا که او تعالی هادی حقیق است هرکه را خواهد هدایت مینماید. آیه (۵:۴۰) میفرماید:

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٠﴾

آیتی [۵:۴۰]

آیا ندانسته‌ای که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست، هر که را بخواهد عذاب می‌کند و هر که را بخواهد می‌آمرزد و بر هر کاری تواناست؟

Al-Baqara (The Cow) 2:284



لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِن تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آیتی [۲:۲۸۴]

از آن خداست هر چه در آسمانها و زمین است. آنچه را که در دل دارید خواه آشکارش سازید یا پوشیده‌اش دارید، خدا شما را بدان بازخواست خواهد کرد. پس هر که را که بخواهد می‌آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند. و خدا بر هر کاری تواناست.

او تعالی هدایت کننده حقیقی است و هر که را خواهد هدایت مینماید.

آیه (۲:۲۱۳) میفرماید:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ
الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا
الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ
آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ (۲۱۳)

آیتی [2:213]

مردم يك امت بودند، پس خدا پیامبران بشارت‌دهنده و ترساننده را بفرستاد، و بر آنها کتاب بر حق نازل کرد تا آن کتاب در آنچه مردم اختلاف دارند میانشان حکم کند، ولی جز کسانی که کتاب بر آنها نازل شده و حجّت‌ها آشکار گشته بود از روی حسدی که نسبت به هم می‌ورزیدند در آن اختلاف نکردند. و خدا مؤمنان را به اراده خود در آن حقیقتی که اختلاف می‌کردند راه نمود، که خدا هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

او تعالی بینیا از عالمیان است. و در اصل قبول دین و ورود به (حزب الله) اختیاری و رضاکارانه است زیرا در دین بر اساس آیه (۲۵۶) سوره البقره (اکراه) وجود ندارد.

(۲:۲۵۶)

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۗ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۗ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۵۶﴾.

آیتی [2:256]

در دین هیچ اجباری نیست. هدایت از گمراهی مشخص شده است. پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدای ایمان آورد، به چنان رشته استواری چنگ زده که گسستش نباشد. خدا شنوا و داناست. الله متعال میفرماید (بینیا از عالمیان است)، دو راه را برای انسانها نشان داده است هرکه خواهد شکرگزار باشد یا ناشکر گذار، و الله نمیخواهد بندگان وی گمراه گردند(الزمر آیه ۷):

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ﴿٦﴾ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَنِّي وَعَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ

آیتی [39:6]

شما را از يك تن بيافرید. و از آن يك تن زنش را آفرید. و برایتان از چارپایان هشت جفت بیافرید. شما را در شکم مادرتان در چند مرحله در درون تاریکیهای سه‌گانه آفرینش بخشید. این است خدای یکتا پروردگار شما. فرمانروایی از آن اوست. خدایی جز او نیست. پس چگونه رویگردانتان می‌سازند؟

آیتی [39:7]

اگر ناسپاسی کنید، خدا از شما بی‌نیاز است. و ناسپاسی را برای بندگان نمی‌پسندد. می‌پسندد که سپاسگزار باشید. و هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد. بازگشت همه شما نزد پروردگارتان است. او شما را از کارهایی که می‌کرده‌اید آگاه می‌کند. او به آنچه در دلها می‌گذرد آگاه است.

عبادت و پرستش الله از یکسو مکلفیت بنده شکر گزار است و از سوی دیگر شیوه ای است که فرد را کمک مینماید راهی را که الله متعال برای وی توصیه فرموده بصورت مستمر دنبال نماید. در فصل بعدی به این موضوع برمیگردیم.

آیه شکر گزاری.

(۶۶-۳۹:۶۵)

﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ
 لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٥﴾ بَلِ اللّٰهُ فَاعْبُدْ
 وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٦﴾ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ
 جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَ
 وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٧﴾

(۳:۱۴۴)

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ ۚ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
 انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ ۚ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللّٰهَ شَيْئًا ۗ
 وَسَيَجْزِي اللّٰهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾

خرمشاهی [۳:۱۴۴]

و محمد جز پیامبری نیست که پیش از او هم پیامبرانی بوده‌اند، آیا اگر
 او بمیرد یا کشته شود [از پیروی او و عقیده خود] باز می‌گردید؟ و
 هرکس که [از عقیده خود] بازگردد [بداند که] هرگز به خداوند زبانی
 نمی‌رساند، و زودا که خداوند سپاسگزاران را پاداش دهد.
 دین اسلام طریقه‌ها / میکانیزم‌های دستیابی به هدف دین را نیز
 توصیه کرده است. در فصل بعدی با این میکانیزم‌ها آشنا می‌گردیم.

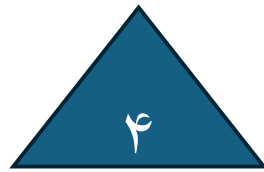
فهرست منابع فصل

Hawking Stephen(n.d.). A Brief History of Time.

Ibn Warraq (1995). Why I am not a Muslim? New York: Prometheus book.

Craford Robert (2002). What is Religion? London: Routledge.

Dean C. Halverson (G.ed.) (1996). The Compact Guide to World Religion. Minneapolis, Minnesota: Betany House Publishers.



میکانیسمها / طرزالعملها

سه فصل قبلی پیش زمینه های بحث را بوجود آوردند. برای برجسته سازی انسان - محور بودن دین اسلام ضرور بود غلط فهمی ها در دین را بشناسیم و دریابیم دین چیست و بر انسان - محور بودن کدام دین بحث صورت میگیرد. ما همچنان در فصل دوم با شیوه کار در این رساله و با هدف و پیام دین در فصل سوم آشنا گردیدیم. در این فصل با میکانیسمها آشنا میگردیم.

قبل از ورود به بحث اساسی مثالی از کارهای علمی میآوریم تا از یکسو نشان داده شود که شیوه کار علمی بخصوص در این رابطه بوسیله دین قرنهای قبل به انسانها معرفی گردیده است. ما همه آگاهیم که در هر عرصه و رشته علمی هدف و اهدافی وجود دارند و برای دستیابی به آن اهداف ابزاری را به کار میبرند. حتی اگر شما بخواهید سویچ برق منزل خود را ترمیم یا تعویض نمایید به ابزار تحقق هدف خویش نیاز دارید. پالیسی های علمی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ... نیز هدف و ابزار رسیدن به هدف را در برنامه دارند. میعاد تطبیق برنامه و ارزیابی نتایج کار نیز برای تحقق هدف لازمی اند. خالق کاینات این جهان را برای باطل نیافریده است و دین الله یعنی دین اسلام نیز دارای اهداف و میکانیسمها یا ابزار تحقق آن اهداف

است و نتیجه تحقق برنامه دین یعنی میزان و کیفیت تحقق اهداف متذکره نیز در دین صراحت دارد. به عبارت دیگر هدف دین، پیام دین، میکانیزمهای رسیدن به آن هدف و نتایج تحقق هدف برای انسانها و میعاد تعیین شده برای تحقق این هدف همه صراحت دارند. میعاد زیست انسان همان فرصتی است که انسان برای تحقق هدف دین سعی مینماید. این میعاد مانند همان زمان معیین امتحانات دوران تحصیل است که در پایان سال به موفقیت یا غیر از آن میانجامد.

آله متعال میفرماید: هرکه ایمان آورد و عمل نیکو انجام داد، عمل وی ضایع نمیگردد (۴:۱۳۶):

(۴:۱۳۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ۖ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۖ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَي رَسُولِهِ ۖ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ ۖ وَمَن يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ ۖ وَكُتُبِهِ ۖ وَرُسُلِهِ ۖ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۳۶)

بهرام پور [4:136]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و رسول او و کتابی که بر پیامبرش نازل کرده و کتابی که قبلا نازل نموده ایمان آورید. و هر که به خدا و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و فرستادگان او و به روز واپسین کافر شود، بی‌گمان به گمراهی دوری افتاده است

19:60

إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُوْلَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا

خرمشاهی [۶۰]

مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کاری شایسته پیشه کند، اینانند که وارد بهشت می‌شوند و هیچ‌گونه ستم [و کم و کاستی] نمی‌بینند. هرکه را درجه ای است بر اساس اعمال وی (۴۶:۱۹):

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا ۖ وَلِيُؤَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۱۹﴾
 دین اسلام تنها هدایتنامه الهی نیست که برای هدایت انسان به مدارج عالی اخلاقی نازل گردیده است، بلکه شیوه‌ها و راه‌های تحقق این هدف را نیز تعیین کرده است. در اساس میتوان ادعا کرد که دو طریقه هدایت به این مدارج اخلاقی یعنی صراط‌المستقیم در دین وجود دارد.

سنت الهی: هادی حقیقی الله (ج) است. سنت الهی چنان است که هرکه را خواهد هدایت نماید.

الله میفرماید: او تعالی میان انسان و قلب وی مداخله مینماید.
 أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ ۖ فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ ۖ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۲۲﴾
 خرمشاهی [۳۹:۲۲]

آیا کسی که خداوند دلش را به اسلام گشاده داشته است، و از سوی پروردگارش برخوردار از نوری [هدایت] است [همانند سختدلان است؟]، پس وای بر آنان که از ترک یاد الهی، سخت دل هستند، اینانند که در گمراهی آشکارند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿۲۴﴾
 آیتی [۸:۲۴]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبرش شما را به چیزی فرا خوانند که زندگیتان می‌بخشد دعوتشان را اجابت کنید و بدانید که خدا میان آدمی و قلبش حایل است و همه به پیشگاه او گرد آورده شوید. طریقه دوم سعی فردی است. از این سعی نیز در قرآن بار بار ذکر رفته است. قاعده ای که بر اساس آیات قرآنی میتوان فرمولبندی نمود چنین است:

ایمان + سعی صادقانه + صلات + صبر و استقامت + طلب استعانت از الله (ج)

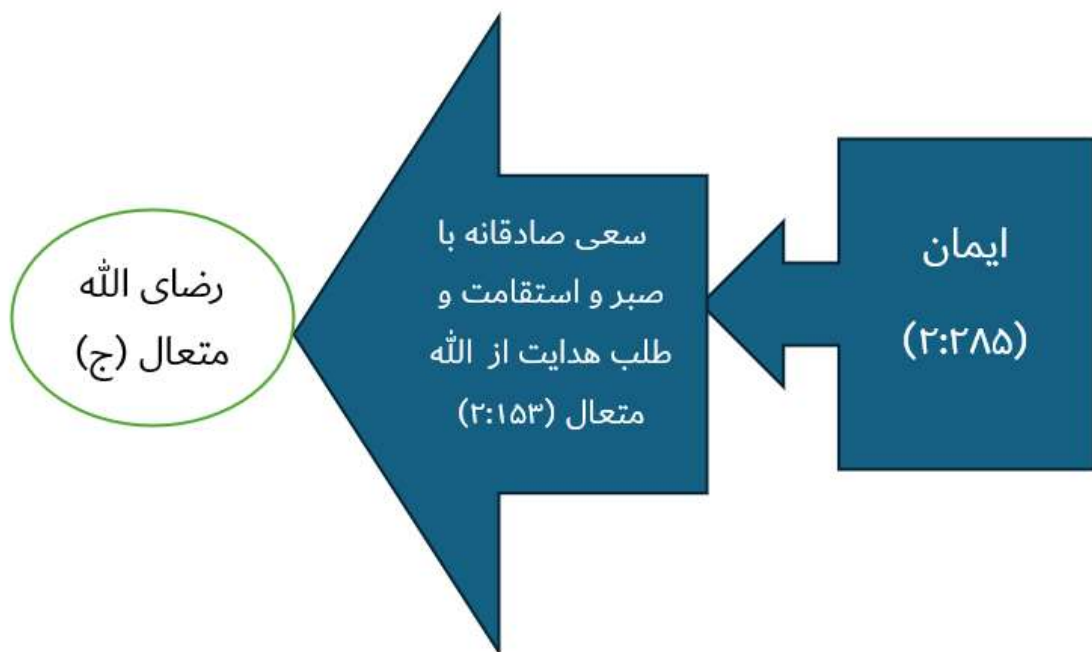
سعی صادقانه شامل سعی معنوی / فکری و عملی است. در سعی معنوی فرد از راه اندیشه خوب، صلات و تداوم در آن از الله در پنج وقت بصورت مشخص مدد میجوید و در عمل احسان و عدل پیشه میکند. و از دست و زبانش آزاری ناشی نمیگردد.
(۲:۱۵۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ
آیتی [2:153]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز مدد جوید که خدا با شکیبایان است.

در این فصل نخست با میکانیزم‌ها زیر دو عنوان متداول (عبادات) و (معاملات) آشنا خواهیم گردید. زیرا دین اسلام روابط خالق و مخلوقات را و روابط مخلوقات با همدیگر را در دنیا ی فانی (دارالفنا) تنظیم مینماید تا برای دنیای پس از بعثت آماده گردند. دین اسلام بحیث بیان کامل ادیان ابراهیمی همزمان مدل رفتاری را برای امور دنیوی نیز فراهم میسازد. دین عبادت / روحانیت را با

صحت، پاکی و تقوی همزمان به انسان میآموزاند. میکانیزمهای دینی این حقیقت را با صراحت نشان میدهند. منظور از میکانیزم در این رساله همان شیوه عملکرد است که توصیه گردیده به گونه مثال برای ادای صلات نخست باید طهارت کرد بعد صلات را ادا نمود. این شیوه های طهارت و ادای صلات در این رساله بحیث میکانیزم نامیده شده اند. این شیوه ها به ما تعلیم میدهند برای ادای صلات کدام گاهها را باید به ترتیب لازم انجام دهیم. میکانیزمهای دینی فرد را کمک مینمایند راه توصیه شده از سوی خالق متعال را بتواند بصورت پیگیر دنبال نماید.



دیاگرام فوق تصویری از مسیری را نشان میدهد که فرد مسلمان برای تعالی اخلاقی مطابق به هدایات الهی باید بپیماید اگر خواهد رستگار گردد. ناگفته نباید گذاشت که فرمول قبلی خط السیر هر میکانیزم را

میسازد. به گونه مثال نماز یا کار نیک باید مستمر باشد. ادای حج، زکات و کمک به یتیمان و مساکین و سایلان چگونه باید صورت گیرد. این فصل ماموریت دارد می‌کامیزمکای اساسی و کلیدی را معرفی نماید. بصورت متداول این می‌کامیزمها بحیث مکلفیتهای عبادی درک می‌گردند درحالیکه عناصر عبادت و انسان دوستی در همه ی این می‌کامیزم ها مشهود اند. در این رساله این می‌کامیزمها ابزاری اند که فرد را کمک مینمایند مسیر توصیه شده را دنبال نماید. این می‌کامیزم ها یا طرزالعملها در مجموع بیانگرهای مساعی عملی انسانها اند برای پیگیری مستمر صراط مستقیم.

بر می‌کامیزمها ی دینی زیر عنوان متداول عبادات و معاملات مکث می‌گردد تا دیده شود نفع انسان در محراق توجه این می‌کامیزم ها قرار دارند یا نه. از عبادات می‌آغازیم.

عبادات

قابل یاددهانی است که وقتی دین در عمل را مورد مطالعه قرار میدهیم در میابیم که بیشتر بر عبادات تاکید صورت میگیرد و بخش معاملات دین کمتر مورد توجه قرار دارد، در حالیکه الله نیازمند عبادت بندگان نیست زیرا هدایت بندگان در ید قدرت او تعالی است، و عبادات می‌کامیزمهای مثمر دینی اند که نه تنها رابطه خالق و انسان را تأمین مینماید، بلکه او را از ارتکاب فحشا باز میدارد. به عبارت دیگر عبادات نیز به نفع انسان مسلمان و مومن است.

هرگاه این پرسش پیش آید که: اصلا عبادت برای چه وقتی الله متعال بی نیاز از بندگان خویش است (۳:۷۹)،؟ یعنی نه به عبادت آنان نیاز دارد نه به کمک آنان. پاسخ آن را در قرآن میابیم. الله رحمان و رحیم میفرماید:

(۳:۹۷)

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ
الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ
بهرام پور [۳:۹۷]

در آن نشانه‌های روشنی است [از جمله] مقام ابراهیم، و هر که وارد آن شود ایمن است. و حق خدا بر مردم است که قصد زیارت این خانه کنند، کسی که به آن راه تواند یافت. و هر که کافر شود [بداند که] قطعاً خدا از جهانیان بی‌نیاز است

(۳۹:۷)

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ ۖ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ ۗ وَإِنْ تَشْكُرُوا
يَرْضَهُ لَكُمْ ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۷﴾

خرمدل [۳۹:۷]

اگر کافر گردید، خدا بی‌نیاز از (ایمان و عبادت) شما است، و لیکن کفر را از بندگان خود نمی‌پسندد، و اگر (با انجام عبادت و طاعت خدا را) سپاسگزاری کنید، از این کارتان خوشنود می‌گردد. هیچ کس بار گناهان دیگری را بر دوش نمی‌کشد (و گناهان دیگری را به گردن نمی‌گیرد). بعدها بازگشت همه‌ی شماها به سوی پروردگارتان خواهد بود و از

چیزهائی که می‌کرده‌اید آگاهتان خواهد ساخت. چرا که او آگاه از اسرار و افکار نهفته در سینه‌ها است.

(۷۶:۲-۳)

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٢﴾
بهرام پور [۷۶:۲]

همانا ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته آفریدیم، که او را خواهیم آزمود،
(۲) پس وی را شنوا و بینا گردانیدیم

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾
بهرام پور [۷۶:۳]

ما راه را به او نشان دادیم، یا سپاسگزار است [می‌پذیرد] و یا کفران
[می‌کند]

(۶:۱۲)

قُلْ لَمَنْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ قُلْ لِلَّهِ ۗ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۗ
لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا
يُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾

بهرام پور [۶:۱۲]

بگو: آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای کیست؟ بگو: از آن خداست. او رحمت را بر خود مقرر داشته و مسلما شما را در روز قیامت که شکی در آن نیست گرد می‌آورد. کسانی که خویشان را در زیان افگندند ایمان نمی‌آورند.

(۶:۵۴)

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ۖ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ
 نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۖ أَنَّهُ مَن عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ
 وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥٤﴾

بهرام پور [۶:۵۴]

و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، پیش تو آیند، بگو: سلام بر
 شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر داشته است که هر کس از شما
 به نادانی کار بدی انجام دهد و سپس از آن توبه کند و به صلاح آید،
 [بداند که] خدا مسلماً آمرزنده و مهربان است.

از نظر منطقی باید از خالق که ما را با (احسن التقویم) آفریده، به راه
 مستقیم یعنی راه رستگاری هدایت مینماید و با و صف هرآن ناسپاسی
 ها، ما انسانها را از نعمات بیکران محروم نساخته، باید شکرگراز بود و
 او را ستایش و پرستش نمود.

عبادت در هر یک از معنای یاد شده معیار سپاسگذاری بنده از خالق
 است که او را با (احسن التقویم) آفریده نعمات فراوان اعطا کرده و به
 راه راست هدایت مینماید. شکرگزاری چیزی است که خالق ما از ما
 میطلبد، در حالیکه بی نیاز از همه و همه چیز است، و سرانجام بسوی
 او برای پاسخدهی بر میگردیم.

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ (۱۵۲)

بهرام پور [۲:۱۵۲]

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و برای من سپاسگذاری کنید و
 ناسپاسی ام نکنید

(۷:۱۰)

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

بهرام پور [7:10]

و به راستی شما را در زمین مکنت دادیم، و برای شما در آن انواع معیشت‌ها نهادیم، [اما] کمتر قدردانی می‌کنید.

عبادت یعنی فرمانبرداری و اطاعت طرزالعملی است که از یکسو بنده را با خالق وی در رابطه نگهمیدارد و فرصتی است تا از او تعالی طلب استعانت نماید. اما از سوی دیگر او را از ارتکاب خطا نگهمیدارد. آله متعال میفرماید:

(۱۱:۱۱۴)

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّكِرِينَ

بهرام پور [۱۱:۱۱۴]

و در دو طرف روز و اوایل شب نماز را برپا دار، که نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برد. این تذکری برای پند گیرندگان است.

(۲۹:۴۵)

أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

بهرام پور [۲۹:۴۵]

آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده بخوان و نماز را برپا دار، که نماز [آدمی را] از زشتکاری و ناشایست باز می‌دارد، و قطعا یاد خدا مهم‌تر است. و خدا می‌داند چه می‌کنید.

ادای پنج وقت صلات و روزه گرفتن یکماه در سال به گونه مثال از نظر صحی فواید انکار ناپذیر دارند. اینکه صلات ظهر و صلات عشا رکعات بیشتر دارند نیز گویای اهمیت صحی صلات اند. طهارت یا پاکیزگی طاهری و باطنی نیز با این نوع عبادت توأم گردیده اند. و در نهایت باید پذیرفت که پاکیزگی طاهری و باطنی و ادای صلات در مجموع تنها و تنها در گام نخست به نفع فرد ادا کننده صلات اند و الله به آنها نیاز ندارد. در مورد اهمیت صلات در دینداری سخنان ی شنیده ایم مانند (نماز کلید بهشت است.) یا شاعری فرموده (روز محشر که جان گداز بود اولین پرسش از نماز بود). از شیخی به یاد دارم که میفرمود: هرگاه فردی اصلاً نماز نمیگذارد او کافر است¹⁸. من موافق نیستم که انسان با نخواندن صلات از دین بیرون میشود. زیرا صلات شرط

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ﴿١﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ
 الْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣﴾ فَوَيْلٌ
 لِلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾
 الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ﴿٦﴾ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿٧﴾

¹⁸ <https://www.youtube.com/shorts/s2MU-7kOgxM>

سوره ماعون

در مکه نازل شده و هفت آیت است

بنام الله گسترده مهر بس مهربان

﴿۱﴾ آیا دیدی آن شخصی را که جزای اعمال را تکذیب می کند. ﴿۲﴾ پس آن شخص همان است که یتیم را (اهانت کرده) از خود میراند. ﴿۳﴾ و (مردم را) بر طعام دادن مسکین ترغیب نمی کند. ﴿۴﴾ پس وای بر آن نمازگزارانی که. ﴿۵﴾ از نماز خود غافل اند. ﴿۶﴾ آنانی که خودنمایی می کنند. ﴿۷﴾ و از دادن وسایل (یا حاجت به همسایه) خود داری می کنند.

ضروری است اما شرط بسنده نیست (بر سوره الماعون دقت گردد).

بر ادای صلات به دلایل آتی تاکید بیشتر صورت میگیرد:

۱. صلات فرد مسلمان را در رابطه مستقیم با خالق وی قرار میدهد و

این فرصت را فراهم میاسد تا تحدید تعهد نماید و طلب هدایت و

استعانت نماید.

۲. نماز فرد مسلمان را از فحشا و کارهای ناشایسته باز میدارد زیرا با

یاد الهی و ایستادن در برابر وی هنگام نماز به هدایات و توصیه های

الهی میاندیشی.

۳. صلات نشانه بارز مسلمانی است. وقتی به پنج بنای عملی اسلام (

کلمه شهادت، نماز، زکات، روزه و حج) می اندیشید در میابید که نماز،

روزه زکات و حج تبارز عملی مشهود دارند و احسان ناشی از آنها متبارز

است.

صلات را باید به شیوه لازم فیزیکی و معنوی آن ادا کرد تا

سودمندیهای معنوی و عملی آن را دریابیم.

اکنون به معاملات در دین مکتب مینماییم.

معاملات

دین روابط انسان را به نحو سالم و انسانی آن نظم بخشیده است. دین نه تنها رابطه انسان را باخالق آنان از راه عبادات نظم بخشیده است بلکه روابط فرد و گروپ را و روابط این دو با محیط زیست و سایر مخلوقات را نیز با توصیه ها و احکام نورماتیف و عملی تنظیم نموده است. اصولی که معاملات را تنظیم مینمایند در حقیقت کود رفتار انسانی را تشکیل میدهند که از جانب الله متعال توصیه شده است.

عدل و احسان: الله به عدل و احسان امر مینماید. احسان و عدل یک اصل جهانی است، بدین معنا که خالق کاینات انسانها را در مجموع به عدل و احسان امر مینماید، و از سودخواری منع مینماید. زیرا در بدل منفعت یا عاید باید کار صورت گیرد. الله میفرماید:

(۱۶:۹۰)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ
وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

بهرام پور (۱۶:۹۰)

همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به خویشان فرمان می دهد و از فحشا و زشتکاری و ستم نهی می کند. شما را پند می دهد، باشد که بیدار شوید.

به گونه مختصر میتوان به تحقیق ابراز داشت که در دین اسلام بر عبادت الله متعال، بر اخلاق نیکو، به عدل و احسان، کمک و بر آنچه به سود بندگان است امر شده است. آله (ج) میفرماید:

(۲:۱۷۷)

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا ۗ وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ ۗ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

﴿۱۷۷﴾

انصاریان [۲:۱۷۷]

نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی [واقعی و کامل، که شایسته است در همه امور شما ملاک و میزان قرار گیرد، منش و رفتار و حرکات] کسانی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده اند، و مال و ثروتشان را با آنکه دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و سائلان و [در راه آزادی] بردگان می دهند، و نماز را [با همه شرایطش] برپای می دارند، و زکات می پردازند، و چون پیمان بندند وفاداران به پیمان خویشند، و در تنگدستی و تهیدستی و رنج و بیماری و هنگام جنگ شکیبایند؛ اینانند که [در دین داری و پیروی از حق] راست گفتند، و اینانند که پرهیزکارند.

قرض حسنه: منظور از قرض حسنه کمک بدون طمع و توقع است در. حالیکه مالک حقیقی همه اشیا خالق آنها است، کمک بدون توقع از سوی الله متعال مضاعف میگردد (۶۴:۱۷). آیات متعددی به

کمک به والدین، به اقربا، به مسکین، یتیم، مسافر، سایل (۸۹:۱۷، ۲۳) (۸-۷۶)، (۲:۸۳)، (۲:۲۷۷) توصیه مینمایند.

قرآن همچنان کود رفتار انسانی را به بندگان خویش میآموزاند. هدف این است تا نشان داده شود دین اسلام انسان محور است، زیرا برای هدایت و تعالی اخلاقی انسانها نازل گردیده است.

میکانیزم عبادات انسان را کمک مینماید از یکسو انسان شکرگزار از خالق کاینات باشد و هم به صحت و سلامت روانی دست یابد و روابط وی را با خالق الرحمن الرحیم تامین نماید. در حالیکه معاملات روابط وی را با سایر مخلوقات به گونه ای که خالق کاینات توصیه فرموده، تنظیم مینماید. یک مثال از زندگی روزانه نیز با صراحت نشان میدهد که کارمندان یک اداره دولتی یا شخصی و یا نیمه حکومتی مکلف به رعایت قوانین و هدایات وضع شده اند. تفاوت بزرگی میان این مقایسه وجود دارد. رعایت توصیه های دینی نه تنها نفع معنوی و مادی دنیوی احتوا مینماید بلکه رستگاری در زندگی ابدی را نیز تضمین مینماید.

در این فصل دریافتیم که عبادات سودمندیهای معنوی و فیزیکی برای فرد مسلمان دارد، زیرا از لحاظ معنوی او دارای یک متکای مطمئن در دنیا و آخرت است و از وی طلب هدایت و استعانت میگردد و او را عبادت کمک مینماید تا راه توصیه شده بوسیله الله متعال را بصورت

مستمر دنبال نماید. فکر کنید هر روز پنج وقت صلوات با سخن نیکو عدالت و احسان، انسان را کمک مینمایند پاک از نظر ظاهری و باطنی گردد.

در آغاز این فصل از سنت الهی در رابطه با هدایت به صراط مستقیم سخن به میان آمد. هدایت انسان تنها در ید قدرت الله متعال قرار دارد و ما از فصل قبلی به یاد داریم آیات (۳۹:۲۲)، و (۸:۲۴)، را که الله متعال چگونه هدایت مینماید هر که را خواهد. آیات نامبرده میفرمایند:

(۳۹:۲۲)

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ ۗ فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٢﴾

انصاریان [۳۹:۲۲]

آیا کسی که خدا سینه اش را برای [پذیرفتن] اسلام گشاده است، و بهره مند از نوری از سوی پروردگار خویش است [مانند کسی است که سینه اش از پذیرفتن اسلام تنگ است؟] پس وای بر آنان که دل هایشان از یاد کردن خدا سخت است، اینان در گمراهی آشکار هستند.

(۸:۲۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ۗ ﴿٢٤﴾ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

بهرام پور [۸:۲۴]

ای مؤمنان! ندای خدا و پیامبر را آن‌گاه که شما را به پیامی حیاتبخش می‌خواند، اجابت کنید، و بدانید که خدا میان انسان و دل او حایل می‌گردد [و همه چیز را می‌داند] و به حضور او گرد آورده می‌شوید نباید فراموش نمود که (توبه) یعنی ندامت و بازگشت بسوی الله بر روی همه تازمان معین باز است. آیات آتی می‌فرمایند:

(۶:۵۴)

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ۖ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۖ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٤﴾

بهرام پور [۶:۵۴]

و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، پیش تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر داشته است که هر کس از شما به نادانی کار بدی انجام دهد و سپس از آن توبه کند و به صلاح آید، [بداند که] خدا مسلماً آمرزنده و مهربان است

(۹:۱۰۴)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾

(۴:۱۷)

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ ﴿١٧﴾ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

بهرام پور [4:17]

جز این نیست که پذیرش توبه از جانب خدا فقط برای کسانی است که از روی نادانی بدی می‌کنند سپس بی‌درنگ توبه می‌کنند اینانند که خداوند توبه‌شان را می‌پذیرد و خدا دانای حکیم است

(۴:۱۸)

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ
إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ ۗ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا
﴿۱۸﴾ أَلِيمًا

بهرام پور [۴:۱۸]

و توبه کسانی که پیوسته گناه می‌کنند تا چون مرگ یکیشان فرا رسد، گوید: اینک توبه کردم، پذیرفته نیست، و نه توبه کسانی که در حال کفر می‌میرند. برای اینان عذابی دردناک فراهم ساخته‌ایم.

توبه نیز شرایط مشخص دارد. مهمترین شرط قبول توبه این است که از آنچه توبه صورت گرفته به آن برگشت صورت نگیرد.

در این فصل از مواردی از احکام و توصیه‌های الهی در دو بخش عبادات و معاملات بحیث مثال سخن به میان آمد تا نشان داده شود میکانیزمهای دینی شرایط ضروری هدایت بسوی صراط مستقیم و کمال خلاقى اند و انسان‌ها را کمک مینمایند به راه توصیه شده زندگی بوسیله خالق کاینات ادامه دهند.

آنگونه‌ای که در آغاز یاددهانی گردید دین یک شیوه زندگی است که الله متعال آن را برای بندگان خویش پسندیده و توصیه کرده است که به تعالی اخلاقى انسان یعنی به تقوا میتواند منتهی گردد. در فصل بعدی میبینیم که مشخصات یک انسان مسلمان بر اساس احکام و توصیه

های دینی دچپها اند. این مشخصات نورماتیف اهدافی اند که انسان
مسلمان به کمک میکانیزمهای دینی باید به آنها دست یابند.



مشخصات انسان

در این فصل نخست بر انسان توجه را متمرکز میگردانیم، انسان یعنی حیوان ناطق، موجودی که با (احسن اتقویم) خلق گردیده و باز در (اسفل السافلین) در آزمون قرار داده شده است. این انسان بنی آدم/ آدمیزاد است که سنجیده سخن میگوید و عمل مینماید. مشخصات انسان مسلمان بحث بعدی این فصل را میسازد. استدلال کنونی این است که بنی آدم بحیث انسانی که میتواند فکر و استدلال نماید، تمام توانایی های خویشرا انکشاف میدهد و او در حالیکه در آزمون قرار دارد به راهی هدایت گردیده که الله متعال، خالق همه ی هستی توصیه فرموده است. این راه، راهی است که در آن انسان اشرف مخلوقات بالقوه به اشرف مخلوقات بالقوه و بالفعل انکشاف مینماید.

ادعای مرکزی این رساله این است که دین اسلام دین انسان - محور است به این معنا که دین اسلام برای هدایت انسانها نازل گردیده است، تا انسان به صراط مستقیم هدایت گردد. منظور از دین اسلام بیان کامل و نهایی دین اسلام است (۵:۳) که بوسیله آن ادیان ابراهیمی تکمیل گردیده و پایان یافته است. هدف دین عبارت است از ایمان به

الله واحد کتب، فرشتگان و پیامبران الهی بدون تفریق میان آنان (۲:۲۸۵)، به بعثت پس از مرگ و روز حساب و رعایت توصیه های الهی و سنت پیامبر خاتم النبیین حضرت محمد (ص). این توصیه ها و احکام آن شیوه زندگی را توصیه مینمایند که الله متعال به آن ابراز رضایت فرموده اند. رعایت این توصیه ها انسان را به راه مستقیم هدایت مینماید که به تعالی اخلاقی انسان یعنی به تقوا میانجامد. بدین گونه ما درمیابیم که قرآن و سنت پیامبر و سعی انسان شرایط ضروری رسیدن به تعالی اخلاقی یعنی تقوا اند اما شرط بسنده خواست الله متعال است. در بحث قبلی همچنان کلام الهی را نقل کردیم که میفرماید: هر که را درجه ای است بر اساس اعمال وی (۴۶:۱۹).

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا ۗ وَيُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۱۹﴾

نا گفته نباید نهاد که انسانها بحیث اشرف مخلوقات همان (حیوان ناطق) یعنی بنی آدم / آدمیزاد اند که استدلال مینمایند و سنجیده عمل مینمایند، اما توانایی و کیفیت استدلال آنان از هم فرق دارند. در میان آنان انسانهایی هستند که اشرف مخلوقات بالفعل اند (سوره الزمر آیه ۱۸) و تعدادی هم از راه پیروی دین الهی و هدایت الله متعال به درجه عالی اخلاقی (اشرف مخلوقات بالقوه و بالفعل، دستیافته اند. فصل کنونی سه بحث: (انسان بحیث اشرف مخلوقات بالقوه)، (انسان بحیث اشرف مخلوقات بالفعل) و (انسان بحیث اشرف مخلوقات بالقوه و بالفعل)، را احتوا مینماید.

انسان بحیث اشرف مخلوقات بالقوه

توصیف انسان بحیث (اشرف مخلوقات) را از آیه مبارک (۹۵:۴) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾ میتوان استنتاج نمود. این آیه اساس نورماتیف این فصل را میسازد. آیات (۲:۳۰) و (۲:۳۴-۳۶) نیز بیانگر مقام انسان بحیث اشرف مخلوقات است زیرا انسان را الله متعال خلیفه بر زمین گماشته و در آیات دیگر امر فرموده تا بر روی زمین فساد (۲:۱۱، ۷:۸۵، ۷:۵۶، ۱۱:۲) ننمایند و عدالت (۵:۴۲، ۳۸:۲۶) نمایند.

در مقدمه به دید عده ای از دانشمندان در مورد انسان مینگریم. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٤﴾ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا

حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ

﴿٣٥﴾ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ ۗ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۗ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٣٦﴾

دانشمندان در مورد ماهیت انسان تیوریهای متعددی خلق کرده اند. ماری کلارک¹⁹ از دیوید سی. کورتون²⁰ نقل میکند:

تجددگرایان²¹ این باور را بصورت گسترده ترویج کرده که انسان از نظر ماهیت حسود، فردگرا، و متجاوز است، و پیشرفت برپروسه رقابت بستگی دارد که بوسیله آن نیرومند، ضعیف را بیجاء و نابود میسازد. این سیستم باورمندی به این معنا است که همکاری در ماهیت ما وجود ندارد، اگر میداشت پس مانع پیشرفت میگردد. خوشبختانه مجبور نیستیم خیلی زحمت را متقبل گردیم تا درک نماییم احساس انسان دوستی، همکاری، حت محبت اساس اکثر روابط انسانی اند و خوشبختانه... این توانایی ها حد اقل به همان پیمانۀ ذاتی اند که توانایی های خوب تبارز-یافته حسادت، خشونت و نابودی ذاتی اند...

Modernism has cultivated a widespread belief that humans are by nature greedy, individualistic, and aggressive, and that progress depends on a competitive process by which the strong displace and destroy the weak. Conversely, this belief system suggests that cooperation is not in our nature and if it were, it would be a barrier to progress. Fortunately, we don't have to look very hard to realize that compassion, cooperation, even love, are the foundation of most human relationships and indeed, are an essential underpinning of civilization. It seems self-evident, therefore, that these capacities are at least as inherent in our nature as is our well-demonstrated capacity for greed, violence, and destruction. It is a matter of which capacities

¹⁹ Mary E. Clark

²⁰ David C. Korten

²¹ Modernism

we choose to nurture in ourselves, our children, and the larger society. David C. Korten (2001: 51, Cited in Mary E. Clark 2002: xix)

هکر²² توصیف بهتری از انسان انجام داده است. وی معتقد است که :

انسانها موجودی اند با توانایی های متمایز، و هرچند دارای دماغ اند، با دماغی که دارند همگون نیستند . . . و آنان یک کتله بهم مرتبط روح-جسم نیستند که بصورت علی باهم عمل مینمایند . . . اما انسان عبارت از مغزی هم نیست که در جمجمه قرار دارد. یک انسان بالغ یک فرد خود آگاه با توانایی عمل و واکنش از راه فکر، احساس و عمل و مستدل است.

Human beings are animals with a distinctive range of abilities.

Though they have a mind, they are not identical with the mind they have.

Though they have a body, they are not identical with the body they have. Nor is a human being a conjunction of a mind and a body that causally interact with each other. Like other animals, human beings have a brain on the normal functioning of which their powers depend.

But a human person is not a brain enclosed in a skull. A mature human being is a self-conscious agent, with the ability to act, and to react in thought, feeling and deed, for reasons(P.M.S. Hacker 2007:1).

ما مانند پیشینیان در عمل شاهدیم که انسان تواناییهایی خیلی خوب بودن و بد بودن را دارند و هم توانایی تغییر بسوی مثبت و منفی را دارند. اکنون سعی میشود انسان را از نظر دین اسلام بشناسیم.

وقتی به توصیف انسان در قرآن توجه نماییم در میابیم که انسان چنان خلق گردیده که سزاوار امتحان است. بدین معنا که دارای توانایی ها و کاستی های ذاتی است، در حالیکه توانایی مدیریت را نیز دارا میباشد. در این بحث با مشخصات انسان از نظر دینی آشنا میگردیم. این مشخصات درقرینه های مشخص درک میگردند.

²² P.M.S. Hacker

(۷۰:۱۹)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ﴿١٩﴾

مکارم شیرازی [۷۰:۱۹]

به یقین انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است،

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ﴿٦﴾

مکارم شیرازی [۱۰۰:۶]

که انسان در برابر نعمتهای پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است؛

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾

مکارم شیرازی [۹۰:۴]

که ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از رنجهاست)

النساء (۴:۲۸)

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا

انصاریان [۴:۲۸]

خدا می خواهد [با تشریح ازدواج با زنان مؤمن، و ازدواج با کنیزان مؤمن، و ازدواج موقت، بار مشکلات زندگی و مشقت های روابط نامشروع جنسی را] بر شما سبک کند؛ و انسان [در برابر مشکلات و شهوات جنسی] ناتوان آفریده شده است.

الاسرا (17:11)

وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا

انصاریان [۱۷:۱۱]

و انسان به همان صورت که نیکی ها را می طلبد [بدون توجه به عواقب امور و به سبب جهل به مصالح و مفسد خویش، گزند و آسیب و] بدی ها را می طلبد و انسان بسیار شتاب زده و عجول است.

الكهف (۱۸:۵۴)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ
جَدَلًا

صفوی [۱۸:۵۴]

و به راستی در این قرآن هرگونه مثلی که حق را برای مردم آشکار کند و آنان را به ایمان سوق دهد با بیان‌های گوناگون آورده‌ایم، ولی انسان از هر چیزی جدال پیشه‌تر است.

الانبیا (۲۱:۳۷)

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ

صفوی [۲۱:۳۷]

آدمی چنان شتابزده است که گویی از شتاب آفریده شده است. شما کافران با کفرورزی و استهزای پیامبر شتاب در عذاب را می‌طلبید. از من خواهان شتاب در عذاب نباشید، که به زودی نشانه‌های خود (عذاب‌های دوزخ) را به شما ارائه خواهم کرد.

الحج (۲۲:۳)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ

صفوی [۲۲:۳]

و از مردم کسانی اند که بدون هیچ دانشی، درباره خدا و صفات و افعال او به جدال می‌پردازند و از هر شیطان پلیدی پیروی می‌کنند.

الحج (22:8)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ

بهرام پور [۲۲:۸]

و از میان مردم کسی است که بدون هیچ دانش و بی‌هیچ رهنمود و کتاب روشنی در باره‌ی خدا به مجادله می‌پردازد.

المعارج (۷۰:۱۹)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا

بهدام پور [۷۰:۱۹]

به راستی انسان بسیار حریص [و بی‌تاب] خلق شده است

﴿۱۹﴾ واقعا که انسان بی‌تاب و بی‌صبر (و حریص) آفریده شده است. ﴿۲۰﴾ چون به او مصیبت رسد بی‌تاب و پریشان می‌گردد. ﴿۲۱﴾ و چون ثروتی به او رسد بخیل می‌گردد (و منع می‌کند). ﴿۲۲﴾ مگر نمازگزاران. ﴿۲۳﴾ آنانی که بر نمازشان (پایبندی و) مداومت دارند. ﴿۲۴﴾ و آنانی که در اموال‌شان سهمی معین و معلوم است. ﴿۲۵﴾ برای گدا و محروم. ﴿۲۶﴾ و آنانی که به روز جزا (قیامت) یقین کامل دارند. ﴿۲۷﴾ و آنانی که از عذاب پروردگارشان بیمناک و ترسناکند. ﴿۲۸﴾ چون از عذاب پروردگارشان ایمنی نیست. ﴿۲۹﴾ و آنانی که شرمگاه‌هایشان را (از حرام) محافظت می‌کنند. ﴿۳۰﴾ مگر بر زنان و کنیزان خود که (در این صورت) ملامتی برایشان نیست. ﴿۳۱﴾ پس هرکس فراتر از این را (برای قضای شهوت خود) بجوید آنانند که تجاوزکارند. ﴿۳۲﴾ و آنان که ایشان امانت‌ها و عهدشان را رعایت می‌کنند. ﴿۳۳﴾ و آنان که به (ادای) گواهی‌هایشان قایم هستند (و از آن انکار نمی‌کنند). ﴿۳۴﴾ و آنان که ایشان بر نمازهای خود محافظت و مواظبت می‌کنند. ﴿۳۵﴾ ایشان اند که در باغ‌های جنت باعزت و گرامی داشته می‌شوند.

القیامه (۷۵:۳۶)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى

انصاریان [۷۵:۳۶]

آیا انسان گمان می‌کند بیهوده و مهمل [و بدون تکلیف و مسؤولیت] رها می‌شود؟

آیات متذکره خصایص دسته های مختلف انسانها را به ما معرفی میکنند که چنان خلق گردیده اند.

قرآن ما را با دو نوع نفس و سه دسته افراد آشنا میسازد:

القیامه (۷۵:۲)

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿۲﴾

بهرام پور [75:2]

و [باز] نه، سوگند به نفس ملامتگر [که زنده می شوید]

الفجر (۸۹:۲۷)

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿۲۷﴾

آیتی (۸۹:۲۷)

ای روح آرامش یافته،

سوره الواقعة از سه گروه انسان خبر میدهد:

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿۱﴾ لَيْسَ لِيُوقِعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿۲﴾ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ﴿۳﴾

رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ﴿۴﴾ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ﴿۵﴾ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا ﴿۶﴾

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿۷﴾ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿۸﴾

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿۹﴾

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿۱۰﴾

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿۱۱﴾

سورة واقعه

در مکه نازل شده و نود و شش آیت است

بنام الله گسترده مهر بس مهربان

﴿۱﴾ چون واقعه (بزرگ قیامت) واقع شود. ﴿۲﴾ که در واقع شدن آن هیچ دروغ انگارنده ای نیست. ﴿۳﴾ (آن واقعه گروهی را) پایین می آورد (و گروهی دیگر را) بالا می برد. ﴿۴﴾ آن وقت که زمین به شدت تکان داده می شود. ﴿۵﴾ و کوهها کوبیده و به شدت متلاشی شوند. ﴿۶﴾ پس چون غبار پراکنده شوند. ﴿۷﴾ و شما (انسانها) به سه گروه تقسیم خواهید شد. ﴿۸﴾ پس (گروه اول) اهل سمت راست هستند! اما اهل سمت راست چه کسانی هستند؟. ﴿۹﴾ و (گروه دوم) اهل سمت چپ هستند! اما اهل سمت چپ چه کسانی هستند؟. ﴿۱۰﴾ و (گروه سوم) سبقت کنندگان، (که در کارهای نیک) سبقت کننده اند. ﴿۱۱﴾ آنان مقربان (دربار الهی) اند. ﴿۱۲﴾ که در باغهای نعمت خواهند بود. ﴿۱۳﴾ (آن مقربان) گروه زیادی از پیشینیان اند. ﴿۱۴﴾ و گروه اندک از پسینیان اند. ﴿۱۵﴾ بر تختهای چیده شده و بافته شده از دُر و یاقوت (خواهند نشست). ﴿۱۶﴾ در حالیکه روبروی هم نشسته اند، بر این تختها تکیه می کنند.

﴿۱۷﴾ بر آنها پسرانی که همیشه جوان اند می گردند. ﴿۱۸﴾ با جام‌ها و کوزه‌ها و ظرف‌های از شراب جاری (که هیچ بیماری و آفتی ندارد بر آنان می گردند). ﴿۱۹﴾ نه از آن (شراب) سردرد می شوند و نه مست و بیهوش. ﴿۲۰﴾ (وبه گردآنان می گردند) با میوه‌هایی که اختیار کنند. ﴿۲۱﴾ و گوشت پرنده‌ها از هر نوع که اشتها دارند. ﴿۲۲﴾ و زنان سفیدروی و بزرگ چشم (گردآنها می گردند). ﴿۲۳﴾ که همچون مروارید پنهان شده در صدف اند. ﴿۲۴﴾ (نعمت‌هایی که به ایشان داده می‌شود) به پاداش کارهایی است که می کرده‌اند. ﴿۲۵﴾ در آنجا نه سخن بیهوده می‌شنوند و نه سخن گناه. ﴿۲۶﴾ مگر این سخن را که (همگی) سلام و درود باد. ﴿۲۷﴾ و اصحاب دست راست چه (وضع و) حالی دارند، اصحاب دست راست؟ ﴿۲۸﴾ در (میان) درختان سدر بی‌خار اند. ﴿۲۹﴾ و در باغ‌های درختان موز که میوه‌هایش برهم چیده شده است. ﴿۳۰﴾ و در سایه‌های گسترده اند. ﴿۳۱﴾ و آب ریزان (از چشمه‌ها). ﴿۳۲﴾ و در میوه‌های فراوان اند. ﴿۳۳﴾ که نه تمام می‌شود و نه از مصرف آن منع می‌گردد. ﴿۳۴﴾ و (بر) بسترهای بلند (نشسته اند). ﴿۳۵﴾ البته ما آن حوران را به طور خاص آفریدیم. ﴿۳۶﴾ پس ایشان را دوشیزه و باکره گردانیدیم. ﴿۳۷﴾ زنانی هم سن و سال و شوهر دوست اند. ﴿۳۸﴾ این نعمت‌ها برای اصحاب دست راست است. ﴿۳۹﴾ که گروهی از امت‌های پیشین. ﴿۴۰﴾ و گروهی از امت‌های پسین هستند. ﴿۴۱﴾ و اصحاب دست چپ چه (وضع و) حالی دارند، اصحاب دست چپ؟ ﴿۴۲﴾ در باد گرم و آب جوش خواهند بود. ﴿۴۳﴾ و در سایه ای از دود سیاه. ﴿۴۴﴾ که نه سرد است و نه سودبخش. ﴿۴۵﴾ چون آنان پیش از این (در دنیا) در ناز و نعمت و خوشگذران بودند. ﴿۴۶﴾ و همیشه بر گناه بزرگ ادامه می‌دادند. ﴿۴۷﴾ و می‌گفتند: (راجع به انکار قیامت) آیا چون مردیم و خاک و استخوان گشتیم دوباره زنده خواهیم شد؟ ﴿۴۸﴾ و آیا پدران نخستین ما (نیز دوباره زنده می‌شوند؟) ﴿۴۹﴾ بگو: البته تمام پیشینیان و پسینیان. ﴿۵۰﴾ به سوی وعده‌گاه روز معین جمع کرده می‌شوند.

سه مرحله را در نظر گیریم: وقتی انسان با احسن التقویم خلق گردید، بر روی زمین در حال آزمون برای مدت معین مسکن گزین گردیده تا امتحان گردند کدام یک آنان دین الله را دنبال میکنند و عمل صالح انجام میدهد و عاقبت آنان چگونه خواهد بود.

ما اکنون در این فصل در مورد انسانی که با بهترین توانایی ها خلق گردیده و در {اسفل اسافلین(۵:۹۵)} قرار داده شده است، سخن میگوییم. دین اسلام بوسیله قرآن کریم نازل و پیا مبر اکرم حضرت محمد (ص) مبعوث گردیده تا انسان را در تلاش ارتقا از (اسفل اسافلین) به سطح اشرف مخلوقات بالقوه و بالفعل هدایت نمایند.

دست یابی به آن مرحله کاریست که نیازمند تعهد، اراده، و استقامت است. این ضروریاتی اند که برای دستیابی به هر هدف دنیوی به آن نیازمندیم. ما تحصیلات عالی را بدون تعهد، اراده و استقامت نمیتوانیم موفقانه به پایان برسانیم. بنابر آن دین از انسان چیزی را توقع دارد که بصورت طبیعی هر انسان فاقد دانش دینی نیز برای دستیابی به هدف آن ضروریات را در نظر دارند. این اصل سلامت عملی خود را ثابت کرده است. این ضروریات بیانگر مساعی فرد اند، ضروری اند اما بسنده نیستند. مساعی صادقانه فرد در صورت تعهد، اراده و استقامت یکی از شرایط بسنده است. زیرا وقتی ما متعهدیم اما اراده عملکرد نداریم و یا در عمل پیگیری و استقامت نداریم، مساعی ما نتیجه لازم را بار نخواهد، ممکن است در امتحان سمستر تحصیلی ناکام گردیم.

اکنون به این پرسش میرسیم که دین اسلام، انسان را که چنان خلق گردیده، به کدام خصایص و مشخصات میخواهد ملبس گردد؟

دین اسلام (قرآن و پیامبر اکرم، ص) این هدف را دارد تا انسان را هدایت نماید به اشرف مخلوقات بالقوه و بالفعل مبدل گردد. اما انسان در این مساعی با دشمنان و موانع بسیاری باید برزمد. این یک مبارزه، یک جهاد مقدس است که درجه عملکرد هر فرد وی را در یکی از آن سه دسته قرار خواهد داد. اما آیه مبارکه (۴۶:۱۹) را در مورد درجه افراد بر اساس اعمال به یاد داریم.

احقاف (۴۶:۱۹)

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا ۖ وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۱۹﴾

آیتی [۴۶:۱۹]

و هر یک را نسبت به کاری که کرده است درجتی است تا خدا پاداش کارهایشان را به تمامی بدهد و به آنان ستم نمی‌شود. در بحث بعدی میبینیم انسان برای دستیابی به تعالی اخلاقی با چه دشواریهایی باید مبارزه نماید.

۵.۲

مشخصات انسان مسلمان بحیث اشرف مخلوقات باقوه و بالفعل در آغاز این فصل از سه بحث نام برده شد: انسان بحیث اشرف مخلوقات باقوه. عنوان قبلی بر این موضوع میچرخید. عنوان کنونی و عنوان بعدی هر دو از انسان بحیث اشرف مخلوقات بالقوه و بالفعل بحث مینمایند. اما عنوان بعدی بر انسان مسلمان بحیث اشرف مخلوقات بالقوه و بالفعل میچرخد، زیرا انسان مسلمان توانایی‌های خود را به آن شیوه‌ای به کار میبرد که الله متعال توصیه فرموده است.

انسان که با (احسن التقویم) خلق گردیده و باز در (اسفل السافلین) قرار داده شده باید خود را از راه پیروی دین الهی به تعالی اخلاقی برساند. در این مسیر مبارزه او خود باید سعی نماید بصورت پیگیر توصیه های الهی را رعایت و در رعایت آن پیگیر باشد. او با دشواریهای روبرو است. نخست با این دشواریها آشنا میگردیم. هدایت بسوی صراط المسقیم این دشواریها و خطرات و دشمنان نشسته در کمین را نیز معرفی مینماید.

آیه مبارکه (۹۰:۴) میفرماید

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾

خرمدل [90:4]

ما آدمی را برای رنج و محنت آفریده ایم (نه برای راحت و آسایش). زیست انسان در دنیا یک امتحان است. آیات قرآن بیانگر این حقیقت اند که انسان با سختی و بیماری، فقر و ثروت و هر آنچه در دنیا آفریده شده اند امتحان میگردد (۱۷:۸، ۱۶۸:۷، ۱۸۶:۳، ۱۵۵:۲-۱۸، ۷:۹۴ و ۲۲:۴۵، ۳۲:۲۱، ۷:۱۱، ۷:۱۸، ۶:۹۲، ۷:۹۶).

انسان در محیط پر از انگیزه ها و مشوق ها زندگی مینماید که خود زمینه امتحان را برای فرد مسلمان ایجاد مینماید در حالیکه او با اختیار انتخاب میان آنچه منع قرار داده شده و یا اجتناب از آنها توصیه گردیده و کاربرد آن روبرو میباشد. الله متعال میفرماید:

(۷:۲۷)

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا ۗ إِنَّهُ يَرَائِكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ۗ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾

انصاریان [۷:۲۷]

ای فرزندان آدم! شیطان، شما را نفریید چنان که پدر و مادرتان را [با فریبکاریش] از بهشت بیرون کرد، لباسشان را از اندامشان بر می کشید تا شرمگاهشان را به آنان بنمایاند، او و دار و دسته اش شما را از آنجا که شما آنان را نمی بینید می بینند، ما شیاطین را سرپرست و یاران کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.

آیات آتی نیز از خصومت شیطان با انسان ما را آگاه میسازد:
(۲۰۸ و ۱۶۸:۲)، (۱۲۰، ۱۱۷، ۴:۶۰)،

(۶:۱۴۲)، (۷:۱۲)، (۷:۱۶، ۲۰)، (۷:۲۲)، (۷:۲۰۰)، (۱۵:۳۶ و ۳۹).

انسان همچنان دارای تمایلات و هوای نفسانی است.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ ۗ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ

حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿۱۶﴾

بهرام پور [۵۰:۱۶]

و همانا ما انسان را آفریدیم، و می دانیم که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند، و ما از رشته رگ‌ها به او نزدیک‌تریم.

در سوره الناس آنچه‌هایی را که وسوسه می‌آفرینند میخوانیم.

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿۱﴾

مَلِكِ النَّاسِ ﴿۲﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿۳﴾

مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿۵﴾

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿۶﴾

بهرام پور [۱۱۴:۱-۶]

بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم (۱) به فرمانروای مردم (۲)

به معبود مردم (۳) از شرّ وسوسه‌گر پنهان شونده {و بازگردنده} (۴)

آن که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند {۵}
از پریان و آدمیان {۶}

شیطان / ابلیس بحیث دشمن آشکار.

الله متعال در آیه (۲:۲۶۸) میفرماید:

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ ۗ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ
وَفَضْلًا ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۶۸﴾

بهرام پور [۲:۲۶۸]

شیطان شما را از تهیدستی می‌ترساند و به [تنگ نظری و] زشتی وا
می‌دارد، و خدا به شما آمرزش و بخشش خود را وعده می‌دهد و او
وسعت بخش داناست.

(۵:۹۱)

يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ
وَيُضِدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۗ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿۹۱﴾

بهرام پور [۵:۹۱]

جز این نیست که شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، میان شما
دشمنی و کینه افکند و از یاد خدا و از نماز بازتان دارد. پس آیا دست
بردار هستید.

الاعراف (۱۲-۱۸)

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن
 نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ﴿١٢﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ
 تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿١٣﴾ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى
 يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿١٤﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ فِيمَا
 أُغْوَيْتَنِي لِأَفْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ لَا تَجِدُ
 بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ
 أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٧﴾ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَّدْحُورًا لَمَنْ
 تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٨﴾ وَيَا آدَمُ

انسان که نخست از (صلصال کالفخار) و سپس از آب جهنده از میان
 (صلب و ترايب) خلق گرديده، اين آب يك خصم واضح است.

شيطان دشمن انسان است (سوره ياسين آيات ٦٠ و ٦١).

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ ۖ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ
 ﴿٦٠﴾ وَأَنْ اعْبُدُونِي ۖ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾

آيات ١٦٨ و ٢٠٨ سوراالبقره، سوره (٤:١٤٢) ((سوره(٧:٢٢) و (١٢:٥)

اين حقيقت را نيز ميابيم.

خصايصی که در عنوان بعدی بانها آشنا ميگرديم، توصيه های نورماتيف
 و توقعات اند که انسان بايد از راه سعی آن ها را از خود سازند و دين
 در اين راه به انسان کمک مينمايد تا از راه ميکانيزمها که سعی انسانی
 را تمثيل مينمايند و از راه مشيت الهی به آنها دست يابد. از اين لحاظ
 انسان با مبارزه درونی صواب و ناصواب روبرو است که به جهاد اکبر
 شهرت دارد. آيات متعددی در قرآن در رابطه با جهاد وجود دارند و

اکثریت آنها بر جهاد (در راه الله با نفس و اموال) را توصیه مینمایند.
 راه الله همان راه مستقیم است که دین انسانها را به آن فرا میخواند
 العمران (۳:۱۴۲)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهِدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ
 الصَّابِرِينَ

مکارم شیرازی [۳:۱۴۲]

آیا چنین پنداشتید که (تنها با ادعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد، در
 حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته
 است؟

المایده (۵:۳۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي
 سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

بهرام پور [۵:۳۵]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و [برای تقرب] به سوی او
 وسیله بجویید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.
 در سوره التوبه میخوانیم:

التوبه (۹:۲۰)

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ
 دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

آیتی [۹:۲۰]

آنان که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا به مال و جان خویش
 جهاد کردند، در نزد خدا درجات عظیم‌تر دارند و کام یافتگانند.

انسان در یک آزمون بزرگ دنیوی قرار داده شده است. الله متعال از وی سعی صادقانه در این راه میطلبد و به او کمک مینماید. اکنون به مشخصات انسان مسلمان مطابق به توصیه های دین اسلام برمیگردیم. عنوان بعدی ما را با به این مشخصات آشنا میسازد. از فصلهای قبلی به یاد داریم هر آن فردی که به الله واحد و بی همتا مطابق حکم آیه البقره (۲:۲۸۵)، (۲:۴) ایمان دارد مسلمان است. در حقیقت آنچه دین الله (ج) از ما میخواهد آنچه است که فقط و فقط به نفع ما انسانها است. آنها را در خطوط کلی چنین میتوان خلاصه کرد: ایمان قلبی و عملی، گفتار و عمل نیکو، احسان و عدالت و حفاظت از محرّمات خصوصی و شکرگذاری از نعمات الهی.

از بحث های قبلی همچنان به یاد داریم که الله متعال انسان را بحیث خلیفه بر روی زمین برگزیده و با بهترین توانایی ها خلق نموده و وی را در پایین ترین پایین سطح قرار داده است، دین و پیامبر آخزمان را برای هدایت آنان نازل و مبعوث گردانیده تا انسان را با آن خصایص که از آنها یادآوری گردید، به راه مستقیم برگزیده شده بوسیله الله (ج) رهنمایی نماید. خصایص و ویژگیهای توصیه شده به سعی صادقانه و پیگیری، طلب استعانت و صبر بحیث شرایط ضروری بستگی دارند. نباید فراموش نمود که میزان و درجه سعی و صبر انسانی بدون شک متفاوت است و الله متعال فرموده اند که:

احقاف (۴۶:۱۹)

هر که را درجه ای است بر اساس اعمال وی.

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا ۖ وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۱۹﴾
ایمان.

فرد مسلمان بر الله كتب، فرشتگان، بر همه ی پیامبران و خاتم النبیین حضرت محمد (ص)، بعث بعد الموت و روز حساب ایمان دارد. این ایمان دارای دو بخش عقلی یا قلبی و عملی است بدین معنا که اقرار زبانی ایمان با عملکرد باید توأم گردد. ما میتوانیم مثال متداول انتالوژی و ایپیستیمولوژی را یا نیت و عمل را به کار ببریم. ما به آنچه باروداریم عمل مینماییم.

النسا (۴:۱۳۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ۖ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۖ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَي رَسُولِهِ ۖ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ ۖ وَمَن يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ ۖ وَكُتُبِهِ ۖ وَرُسُلِهِ ۖ وَالْيَوْمِ ءَآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

ایمان بر الله غایب از انظار اما گواه و شاهد بر همه چیز. ایمان بر و پرستش یک الله غایب از انظار گواه بر اعتماد نیرومند است.

البقره (۵-۳)

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾
وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ
﴿٤﴾ أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾

تعریف انسان مومن را در آیات (۲:۸-۳) میتوان یافت.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾

مکارم شیرازی [۸: ۲]

مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دلهایشان ترسان میگردد؛ و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می شود، ایمانشان فزونتر می گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توکل دارند.

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾

مکارم شیرازی [۵:۳]

آنها که نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند (۳)

(۸:۴)

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ۗ لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ

كَرِيمٌ ﴿٤﴾

مکارم شیرازی [۸:۴]

(آری،) مؤمنان حقیقی آنها هستند؛ برای آنان درجاتی (مهم) نزد پروردگارشان است؛ و برای آنها، آمرزش و روزی بی‌نقص و عیب است. بصورت کل میتوان به یقین ابراز داشت که میکانیزمهای عبادی (عبادات) و رفتاری (معاملات) منافع مادی انسان را با منافع معنوی توأم دارد. زکات و روزه و حج نه تنها عبادت اند زیرا اطاعت از احکام و توصیه های الهی اند بلکه محدودیتهای فیزیکی، معنوی و مادی انسان را نیز قویاً در نظر دارند، در حالیکه الله متعال بی نیاز است. ناگفته نباید گذاشت که در میکانیزمهای یاد شده عمدتاً سه مشخصه: حکم در مورد میکانیزم، شکل ادای میکانیزم که به الگوریتم همانند است و محتوای میکانیزم را باید رعایت نمود. با نمونه های متعدد این سه عنصر ضروری در فعالیتهای روزمره غیر رسمی و رسمی آشنایی داریم. اجازه دهید ادای صلات و زکات را به گونه مثال در نظر گیریم: حکم الهی در مورد صلات در سوره البقره آیه (۲۳۸) صراحت دارد.

البقره (۲:۲۳۸)

حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ

آیتی [۲:۲۳۸]

نمازها و نماز میانین را پاس دارید و مطیعانه برای خدا قیام کنید. آیه (۱۰۷:۵) به محتوای صلوات توجه را بر میگرداند، در حالیکه صلوات بر اساس الگوریتم ادا میگردد و هرگاه شکل آن به درستی ادا نگردد محتوای آن زیان میبیند و سودمندی فیزیکی آن کاهش میابد. ذکات و خیرات نباید موجب تکبر و ریاکاری گردند و نه باید موجب تحقیر و منتگذاری ، و مقدار ذکات معین گردیده است.

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

الماعون (۱۰۷:۵)

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ﴿١﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾
وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣﴾ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ الَّذِينَ
هُمَّ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ﴿٦﴾ وَيَمْنَعُونَ
الْمَاعُونَ ﴿٧﴾

سورة ماعون

در مکه نازل شده و هفت آیت است

بنام الله گسترده مهر بس مهربان

﴿۱﴾ آیا دیدی آن شخصی را که جزای اعمال را تکذیب می کند. ﴿۲﴾ پس آن شخص همان است که یتیم را (اهانت کرده) از خود میراند. ﴿۳﴾ و (مردم را) بر طعام دادن مسکین ترغیب نمی کند. ﴿۴﴾ پس وای بر آن نمازگزارانی که. ﴿۵﴾ از نماز خود غافل اند. ﴿۶﴾ آنانی که خودنمایی می کنند. ﴿۷﴾ و از دادن وسایل (یا حاجت به همسایه) خود داری می کنند.

الله (ج) در مورد مومنان میفرماید:

(۲۳:۱-۱۱)

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ

﴿۱﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ

﴿۲﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ

﴿۳﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ

﴿۴﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأُذُنِهِمْ حَافِظُونَ

﴿۵﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ

﴿۶﴾ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

﴿۷﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿۸﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ

يُحَافِظُونَ ﴿۹﴾

أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١﴾

﴿١﴾ به راستی که مؤمنان کامیاب و رستگار شدند. ﴿٢﴾ آنانی که ایشان در نماز خود متواضع اند. ﴿٣﴾ و آنانی که ایشان از (کار و سخن) بیپرده روی گردان اند. ﴿٤﴾ و آنانی که ایشان زکات را می دهند. ﴿٥﴾ و آنانی که ایشان شرمگاه های خود را (از حرام) نگاه می دارند. ﴿٦﴾ مگر بر همسران یا کنیزان خود، که در این صورت سزاوار ملامتی (و مجازات) نیستند. ﴿٧﴾ پس هر کس غیر از این را بجوید، پس ایشان همان تجاوزکنندگان اند. ﴿٨﴾ و آنانی که ایشان امانت های خود را و عهد خود را رعایت می کنند. ﴿٩﴾ و آنانی که ایشان بر نمازهای خود محافظت می کنند. ﴿١٠﴾ این گروه ایشان وارثان اند. ﴿١١﴾ آنانی که فردوس را به ارث می برند، آنها در آن همیشه می مانند. ﴿١٢﴾ و البته انسان (آدم) را از خلاصه

۲

نیکی

۲:۱۷۷

﴿١٧٧﴾ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا ۗ وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ ۗ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾

انصاریان [۲:۱۷۷]

نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی [واقعی و کامل، که شایسته است در همه امور شما ملاک و میزان قرار گیرد، منش و رفتار و حرکات] کسانی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده اند، و مال و ثروتشان را با آنکه دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و سائلان و [در راه آزادی] بردگان می دهند، و نماز را [با همه شرایطش] برپای می دارند، و زکات می پردازند، و چون پیمان بندند وفاداران به پیمان خویشند، و در تنگدستی و تهیدستی و رنج و بیماری و هنگام جنگ شکیبایند؛ اینانند که [در دین داری و پیروی از حق] راست گفتند، و اینانند که پرهیزکارند.

لقمان (۳۱:۱۸)

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ
آیتی [۳۱:۱۸]

به تکبر از مردم روی مگردان و به خودپسندی بر زمین راه مرو، زیرا خدا هیچ به نازخرامنده فخرفروشی را دوست ندارد.

۳

سخن نیکو

(۱۶:۱۲۵)

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۗ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ
أَحْسَنُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

﴿۱۲۵﴾

انصاریان [16:125]

[مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] پرداز، یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده اند و نیز به راه یافتگان داناتر است.
(۲:۲۶۲)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى ۖ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٦٢﴾

انصاریان [۲:۲۶۲]

کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند، سپس منت و آزاری به دنبال انفاقشان نمی آورند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.

المجادله (۵۸:۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَجَّيْتُمْ فَلَا تَنَجَّوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَجَّوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

انصاریان [۵۸:۹]

ای اهل ایمان! هنگامی که محرمانه با یکدیگر گفتگو می کنید از روی گناه و دشمنی و سرپیچی از پیامبر با هم گفتگوی محرمانه نکنید، و بر پایه [تشویق یکدیگر به] نیکی و تقوا گفتگوی محرمانه کنید، و از خدایی که به سوی او محشور می شوید، پروا کنید.

﴿قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذًى ۗ وَاللَّهُ غَنِيٌّ

حَلِيمٌ﴾ ﴿٢٦٣﴾

انصاریان [۲:۲۶۳]

گفتاری پسندیده [در برابر تهیدستان] و عفو [ی کریمانه نسبت به خشم و بد زبانی مستمندان] بهتر از بخششی است که دنبالش آزاری باشد، و خدا بی نیاز و بردبار است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِيَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۖ لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٤﴾

انصاریان [۲:۲۶۴]

ای اهل ایمان! صدقه هایتان را با منت و آزار باطل نکنید، مانند کسی که مالش را به ریا به مردم انفاق می کند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارد، که وصفش مانند سنگ سخت و خاراوی است که بر آن [پوششی نازک از] خاک قرار دارد و رگباری تند و درشت به آن برسد و آن سنگ را صاف [و بدون خاک] واگذارد [صدقه ریایی مانند آن خاک است و این ریاکاران] به چیزی از آنچه کسب کرده اند، دست نمی یابند و خدا مردم کافر را هدایت نمی کند

الزمر (۳۹:۱۸)

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٨﴾

بهرام پور [۳۹:۱۸]

همان‌هایی که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند. اینانند که خدایشان هدایت کرده و هم اینانند خردمندان.

(۱۱: ۴۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا
 نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ ۗ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا
 بِاللَّعَابِ ۗ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ ۗ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
 الظَّالِمُونَ ﴿۱۱﴾

آیتی [۴۹:۱۱]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مباد که گروهی از مردان گروه دیگر را
 مسخره کند، شاید آن مسخره‌شدگان بهتر از آنها باشند. و مباد که
 گروهی از زنان گروه دیگر را مسخره کند، شاید آن مسخره‌شدگان بهتر از
 آنها باشند. و از هم عیبجویی مکنید و یکدیگر را به القاب زشت خوانید.
 بد است عنوان فسق پس از ایمان آوردن. و کسانی که توبه نمی‌کنند خود
 ستمکارانند.

قسمتی از کود رفتار دینی را در آیات ۲۴-۳۸ سوره الاسرا (۱۷) میابیم:

است. ﴿۲۲﴾ (ای انسان) معبود دیگری را با الله قرار مده که باز مذمت شده و بی‌مددگار بنشین. ﴿۲۳﴾ و پروردگارت حکم کرده است که غیر از او چیزی را عبادت نکنید و به پدر و مادر خوبی کنید، و اگر یکی از آنها یا هر دو نزد توبه سن پیری برسند، پس به ایشان (حتی کلمه) اف مگو و بر آنها آواز بلند مکن، (بلکه) به آنها سخن نرم و محترمانه بگو. ﴿۲۴﴾ و از روی مهربانی بال تواضع را برای آنان هموار کن و بگو: ای پروردگارم! به آنان (پدر و مادرم) رحم کن طوری که آنان در خورد سالی مرا پرورش و بزرگ نمودند. ﴿۲۵﴾ پروردگار تان به آنچه در نفسهای شماست داناتر است، اگر نیکان (و توبه‌کنندگان) باشید، پس یقیناً الله برای رجوع‌کنندگان به بارگاه او بسیار آمرزنده است. ﴿۲۶﴾ و حق خویشاوند و مسکین و مسافر (در راه مانده) را بده، و هیچ‌گاه (در گناه انفاق و) اسراف مکن. ﴿۲۷﴾ چون اسراف‌کنندگان (انفاق‌کنندگان در گناه) برادران شیاطین هستند، و شیطان در مقابل پروردگارش ناشکر است.

انها گناه بس بزرگ است. ﴿۲۸﴾ و به زنا نزدیک مشوید که یقیناً ان گناهی بسیار زشت و راه بد است. ﴿۲۹﴾ و نفسی را که الله کشتن او را حرام کرده است نکشید مگر به حق، و هر کس به ظلم کشته شود برای ولی (صاحب خون او) سلطه‌ای داده ایم، پس او نباید در کشتن زیاده روی کند، یقیناً که او یاری داده شده است. ﴿۳۰﴾ و به مال یتیم نزدیک مشوید مگر به طریقه نیکوتر، تا اینکه (یتیم) به (سن) رشدش برسد، و به عهد و پیمان خود وفا کنید، چرا که از پیمان و عهد پرسیده خواهد شد. ﴿۳۱﴾ و هرگاه پیمان می‌کنید آن را به تمام و کمال پیمانه کنید، و با ترازوی راست و درست وزن کنید که این کار سرانجام نیکوتر و بهتری دارد. ﴿۳۲﴾ و از پی چیزی مرو که به آن علم نداری، بی‌گمان گوش و چشم و دل هر یک مورد سوال واقع خواهند شد. ﴿۳۳﴾ و در زمین به ناز و تکبر راه مرو، چون تو زمین را شکافته نمی‌توانی و به بلندی کوهها رسیده نمی‌توانی. ﴿۳۴﴾ همه این خصلت‌ها، بدیهایش نزد پروردگارت ناپسند است.

﴿۲۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید از گامهای شیطان پیروی نکنید، و هر کس از گامهای شیطان پیروی کند (بداند) که او به فحشا و منکر دستور می دهد، و اگر فضل الله و رحمت وی بر شما نبود، هرگز کسی از شما (از گناه) پاک نمی گردید، ولی الله هر کس را که بخواهد پاک می گرداند، و الله بسیار شنوای داناست.

﴿۲۲﴾ و کسانی از شما که صاحبان فضیلت (در دین) هستند و توانمندان شما (در ثروت)، نباید قسم بخورند که به خویشاوندان و بینوایان و مهاجران در راه الله چیزی ندهند، و باید که عفو کنند و باید گذشت کنند، آیا دوست ندارید که الله شما را بیامرزد؟ و الله بسیار آمرزنده (و) مهربان است. ﴿۲۳﴾ همانا کسانی که زنان پاکدامن و بی خبر (از بدکاری) و مؤمن را به زنا متهم می سازند، در دنیا و آخرت لعنت شده اند، و برایشان عذابی بسیار بزرگ است. ﴿۲۴﴾ روزی که زبانها و دستها و پاهایشان بر آنچه می کردند گواهی می دهند. ﴿۲۵﴾ در آن روز، الله جزای شایسته آنان را بطور کامل و بی کم و کاست به ایشان می دهد، و خواهند دانست که الله همان (معبود) حق آشکار است. ﴿۲۶﴾ زنان پلید برای مردان پلیدند و مردان پلید برای زنان پلیدند، و زنان پاکیزه سزاوار مردان پاک اند و مردان پاکیزه سزاوار زنان پاک اند، این گروه از آنچه (منافقان) می گویند، مبرا و منزّه هستند، برایشان آمرزش و رزق نیکوست. ﴿۲۷﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید! وارد خانه های غیر از خانه های خود مشوید تا آنکه اجازه بگیرید، و بر اهل آن خانه سلام گوید، این کار برای شما بهتر است، تا شاید پند گیرید و یادآور شوید.

﴿۲۸﴾ پس اگر در آنجا کسی را نیافتید، پس داخل آنجا نشوید، تا اینکه به شما اجازه داده شود، و اگر به شما گفته شود: برگردید، پس برگردید که برای شما بهتر و پاکیزه تر است. و الله به آنچه می کنید داناست. ﴿۲۹﴾ بر شما گناهی نیست که به خانه‌های غیر مسکونی داخل شوید که در آنجا متاعی دارید، و الله می داند آنچه را آشکار می کنید و آنچه را می پوشانید. ﴿۳۰﴾ به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را (از نگاه به نامحرمان) بپوشند و شرمگاه خود را حفظ کنند و پاکدامنی ورزند، این برایشان پاکیزه تر است، زیرا الله از آنچه انجام می دهند، آگاه است. ﴿۳۱﴾ و به زنان مؤمن بگو: چشمان خود را (از نامحرمان) بپوشند و شرمگاه خود را حفظ کنند و پاکدامنی ورزند، و زینت خود را ظاهر نسازند مگر آنچه از آن که آشکار است، و باید که چادرهای خود را بر گریبانهای خود بیندازند، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهران خود، یا پدران خود یا پسران شوهران خود، یا پسران خود یا پسران شوهران خود، یا برادران خود یا پسران برادران خود، یا پسران خواهران خود، یا زنان مسلمان (هم جنس) خودشان، یا کنیزان خود، یا مردان بی رغبت (به زنان) که تابع خانواده شمایند. و کودکانی که بر شرمگاه زنان اطلاع نیافته‌اند. و نباید زمین را با پاهای خود بکوبند تا آنچه از زینتشان را که پنهان می دارند، معلوم گردد. و ای مومنان! همگی به دربار الله توبه کنید تا رستگار شوید.

﴿۳۲﴾ و مردان و زنان بی‌همسر و بردگان و کنیزان صالح خود را (که سزاوار ازدواج هستند) به نکاح بدهید، اگر فقیر باشند الله آنان را از فضل خود غنی و بی‌نیاز خواهد کرد، و الله دارای فضل گشاده (و) بی‌نهایت داناست. ﴿۳۳﴾ و آنان که اسباب ازدواج را نمی‌یابند باید پاکدامنی پیشه کنند، تا آنکه الله آنان را از فضل خود توانگر و بی‌نیاز گرداند، و کسانی از بردگان تان که خواستار قرار داد «کتابت» برای آزاد شدن هستند، اگر توانایی پرداخت قرار داد «کتابت» را در ایشان یافتید، پس با آنان قرارداد ببندید، و از مال الله که به شما ارزانی داشته است به آنان بدهید، و همچنین کنیزان خود را مجبور به زنا نکنید اگر آنان خواستند عقیف و پاکدامن باشند، برای این که بهره‌زودگذر زندگانی دنیا را بدست آرید، و هر کس آنان را (بر زنا) اجبار کند، یقیناً الله پس از اجبار کردنشان (نسبت به آنها) بسیار آمرزنده‌مهربان است. ﴿۳۴﴾ و بدون شک به‌سوی شما آیات روشن و مثلی از (حال) کسانی که پیش از شما گذشتند و پندی برای پرهیزگاران نازل کردیم.

فهرست منابع فصل پنجم

Mary E. Clark (2002). In Search of Human Nature.
London: Routledge.

P.M.S. Hacker (2007). Human Nature: the categorial
Framework....

ترجمه معانی القرآن کریم الی الغتہ فارسی (الدریه)
تهیه کننده: مولوی محمد انور بدخشانی
چاپخانه قرآنت کریم، مجمع ملک فهد: مدینه منوره

<https://tanzil.net/>

<https://www.islamicity.org/quransearch/>

پایان فصل پنجم



نتیجه گیری

ادعای مطرح در این رساله این بود که دین اسلام (صحایف الهی و پیامبران) از همان آغاز تا اعلام تکمیل آن در قرآن مجید، برای هدایت انسانها نازل و مبعوث کرده اند. در آغاز زمینه های بحث فراهم گردید، زیرا ما در مورد دین اسلام بحث داشتیم و باید توضیح میگردید منظور ما از دین اسلام چیست. برای این منظور بر مهمترین غلط فهمیها مانند ادیان ابراهیمی بحی دین واحد به نام اسلام، تقلیلگرایی در دین و تعریف دین مکتب گردید و دو تعریف از دین اسلام پیشنهاد گردید.

برای درک این حقیقت که دین اسلام برای هدایت انسانها نازل گردیده لازم بود پیام و هدف دین را بدانیم. بصورت خلاصه دریافتیم که هدف دین پرستش الله یگانه و بی همتا و اطاعت از توبه ها و هدایات او تعالی است که انسان را به صراط المستقیم هدایت مینماید.

بر دو ادعای عبادت محور بودن و اجبار محور بودن نیز مکتب گردید. عبادت الله متعال همان عصاره هدایت را میسازد که هدف دین است. فصل های این رساله در رابطه با میکانیزمها انسانها را کمک مینمایند بصورت مستمر خالق خویش را حاضر و از وی طلب هدایت نمایند.

میکانیزمهای دینی مانند عبادات و معاملات نشان دادند که تنها و تنها به سود دنیوی و اخروی انسانها اند.

این میکانیزم ها نه تنها اطاعت از اوامر و توصیه های الهی اند بلکه به آسایش روحی و جسمی انسان نیز سودمند اند.

فصل مربوط به مشخصات انسان مسلمان نشان داد که انسان مسلمان فردی است که از دست و زبان وی سایرین مصوون اند، از تحقیر و زشت نامی دیگران اجتناب میورزد، صادق و امانت دار است، به تعهدات خویش ایستاده و از خصوصیات جسمی خویش حفاظت مینماید و به والدین، به خویشان، فقیران، یتیمان، به مساکین و سایلان و مسافران در مانده کمک مینمایند. مشخصات انسان همچنان نشان دادند که انسانها با توانایی هایی خلق گردیده که شایسته امتحان اند و از آنها خواسته شده تا به آن مرحله از تقوا و پاکیزگی اخلاقی دست یابد که دین آنها را هدایت مینماید چنین صفات هرچند نورماتیف و سیمای یک مسلمان را تمثیل مینماید، محتمل و تحقق پذیر است.

بحث ها نشان دادند که الله متعال غنی و بینیاز از بندگان خویش است، اما به گمراهی آنان راضی نیست. مباحث نشان دادند که در دین اسلام تحمیل و اجبار وجود ندارد و انتخاب راه توصیه شده اختیاری است و از پیامدهای آن هشدار داده شده است.

بحث های انجام شده در این رساله نشان دادند که دین اسلام برای هدایت انسانها و دستیابی به تعالی اخلاقی نازل گردیده است. ایمان به الله واحد و بی همتا، به کتب و فرشتگان، به پیامبران، به بعثت بعد از مرگ و روز حساب شرط ضروری و بسنده ورود به (حزب الله متعال) است.

پایان فصل ششم

فهرست منابع

General references

قرآن کریم

علی شاهرخت، علی حقی، دین. پژوه مصطفی ملکیان: بررسی و نقد. جستارهای فلسفهء دین، سال ششم، شماره اول سال ۱۳۹۶ (ص. ۱۰۹-۱۲۶)

ترجمه قرآن الکریم فی الغتّه الفارسی الدرّیه

اعدا: مولوی محمد انور بدخشانی. اتمدینه المنوره: چاپخانه قرآن الکریم مجمع ملک فهد. چاپ الکترونیکی، فارمت پی. دی.اف. بدون تاریخ چاپ.

ترجمه معانی القرآن کریم الی الغتّه فارسی (الدرّیه)

تهیه کننده: مولوی محمد انور بدخشانی

چاپخانه قرآنت کریم، مجمع ملک فهد: مدینه منوره

ملکیان، ۱۳۹۵، ج.۲. ص. ۲۶۲

ابن ورق، ۱۹۹۵، ص. ۱

هیکل، م. نبی ۲۰۲۴. ص. ۱۰۱

Abdul Mannon (2010). Dictionary of the Holy Quran. Noor Foundation.

Ali Suleiman Ali (2018). A Brief introduction to the Quranic Exegesis. Abridged by Wanda Kraus, Herndon, VA 20172, USA: The International Institute of Islamic Thought (IIIT).

Bernard J. Verkamp, (1995) *The Evolution of Religion: a reexamination*. New York: University of Scranton Press.

Craford Robert (2002). *What is Religion?* London: Routledge.

David Marsh and Paul Furlong 2002''*Institution and Ideas'*, in: David Marsh and Paul Furlong (eds.)(2002). *Theory and Methods in Political Science*. Second edition. London: Palgrave MacMillian.

David A. Statt, (2003). *The Concise Dictionary of Psychology*. Third Edition. London and New York: Taylor & Francis e-Library.

Dean C. Halverson (Genral.ed.) (1996). *The Compact Guide to World Religion*. Minneapolis, Minnesota: Betany House Publishers.

David C. Korten (2001: 51), Cited in Mary E. Clark 2002: xix)

Earl Babbie (1998). *The Practice of Social Research*. Eight Edition. Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company.

Hawking Stephen(n.d.). *A Brief History of Time*.E-book.

<https://tanzil.net/>

<https://www.islamicity.org/quransearch/>

<https://www.merriam-webster.com/dictionary/Occam%27s%20razor>

Ibn Kathir, (2023). *A compilation of the abridged Tafsir by a group of scholars under supervision of Shaykh Safiur Rahman Al Mubarakpuri*. Darussalam's Publishers & Distributers. Ryad: Hoston, New York, Lahore 2023.

Ibn Warraq (1995). *Why I am not a Muslim?* New York: Prometheus Books.

John B. Noss, (1956). *Men's Religions*, Revised edition. Translated to Persian as () by Ali Asghar Hekmat, 3d print. Pirooz Printing House 1354.

John Ziman (2004). *Real Science, what it is, and what it means*. Cambridge, UK: The University of Cambridge.

Mary E. Clark (2002). *In Search for Human Nature*.
London, NY, Canada: Routledge.

Maulana Mufti Muhammad Shafi' (n.d.). *Ma'ariful Qur'an*,
Translated by Prof. Muhammad Hasan Askari, Prof.
Muhammad Shamim. Revised by Justice Mufti
Muhammad Taqi Usmani.

Mary E. Clark (2002). *In Search of Human Nature*.
London: Routledge.

P.M.S. Hacker (2007). *Human Nature: the Categorical
Framework*.